NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

پنج‌شنبه ۵ آذر ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۹۶
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

نوبنیاد

روزنامه سراسری صبح ایران

ثبت دلار ۲۹۴ هزار تومانی در اقتصاد ایران



جهش قیمت ارز در بازار غیررسمی همچنان ادامه دارد؛ به‌طوری‌که نرخ دلار از حدود ۲۶۹ هزار تومان در ابتدای هفته جاری (۳۰ آبان)، دیروز (چهارشنبه) به محدوده ۲۹۴ هزار تومان رسید. بنابراین، طی پنج روز ۲۶ هزار تومان (۱۰ درصد) افزایش قیمت را تجربه کرده است. برخی، محرک اصلی نوسانات ارزی طی چند روز گذشته را تحریم مرکز مبادله ارز و طلای ایران از سوی آمریکا عنوان می‌کنند.

۴



گزارش «نوبنیاد» از طراحی جدید امریکا در قبال ایران

پخت و پز کودتاچیان برای تکرار ۱۸ دی

۷

دشمن صمیمی؛ اشتباهی سخت و پرهزینه

حمید لشگری
روزنامه‌نگار

تضاد عبارت «دشمن صمیمی» عینا در عبارت «تفاهم با آمریکا» نیز موجود است؛ اما غفلت برآمده از اولی، همواره چشم‌ها را به روی تضاد دومی بسته و هزینه‌زا شده. چنان حدود یک دهه گذشته که دشمن از مسیر صمیمیت دستاوردهایی چون حدود ۱۰ هزار کیلو اورانیوم در برجام داشته که با جنگ نظامی حتی موفق به گرفتن ۴۴۰ کیلو از آن هم نشد. دشمن هنگامی صمیمی می‌شود که نخواهد یا نتواند هزینه زیادی بدهد؛ آنگاه است که با شما می‌نشیند، گفتگو می‌کند، رفت‌وآمد می‌کند، می‌خندد، دست می‌دهد، رفاقت می‌کند و همه‌کار می‌کند.

متن کامل در صفحه ۳

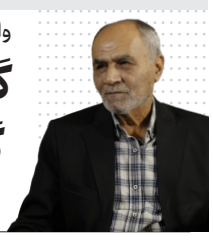

واکنش رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران به واردات گندم خارجی؛

گندم خارجی گران‌تر از ایرانی!

۵



انتقاد نمایندگان از عملکرد هیئت‌رئیسه؛

استیضاح ممنوع، تذکر محدود!

۲

فرهنگی | صفحه ۸

فیلم‌نت اشتباهش را پذیرفت؛ ساترا سربلند شد

در روزهایی که ساترا به دلیل ورود به این ماجرا با انتقادها و اتهام‌های مختلفی روبه‌رو شد، اطلاعیه تازه فیلم‌نت ابعاد دیگری از ماجرا را روشن کرد.

بین الملل | صفحه ۶

صدای درد ترامپ از شکست در انتخابات به خاطر حمله به ایران بلندتر شد!

اظهارات پیاپی دونالد ترامپ درباره شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، نشان می‌دهد سونامی آبی دموکرات‌ها برخلاف تلاش اولیه کاخ سفید برای کم‌اهمیت جلوه دادن آن، به زخمی عمیق در اردوگاه ترامپ تبدیل شده است.

گزارش کوتاه

رئیس‌جمهور کم‌طاقت

مسعود پزشکیان در جریان سفر اخیر خود به استان خراسان رضوی، پیش از ظهر روز چهارشنبه ۴ آذر ۱۴۰۵ در جمع استادان و دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد حضور یافت، نشستی که حواشی بر متن آن غلبه کرد. در این رمسام و زمانی که پزشکیان در حال سخنرانی بود، چند نفراز دانشجویانی که فرصد صحبت به آنها نرسید و نتوانستند مطالبات خود را از پشت تریبون مطرح کنند، انتقادات خود را با صدای بلند به گوش پزشکیان رساندند. اما در واکنش، رئیس دولت چهاردهم با ادبیاتی نامتعارف پاسخ دانشجویان را داد و چند بار تکرار کرد: خانم بشین سر جات! پزشکیان همچنین به نشانه قهر سخنرانی‌اش را قطع و جلسه را ترک کرد.

این میزان پایین انتقادپذیری رئیس دولت و استفاده از ادبیات نامناسب در برابر دانشجویان به‌ویژه دختران دانشجویان در حالی است که هفته گذشته نیز در نشست دانشجویی پیشگامان رهایی بسیج دانشجویی، شاهد رفتار و موضع مشابهی از سوی پزشکیان بوده‌ایم.

خبر کوتاه

سرلشکر وحیدی: آماده‌ایم دشمن را تا عمق قابل‌توجهی عقب برانیم

روز گذشته فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از نمایشگاه برنامه‌ها و فعالیت‌های شاخص بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت در دفاع مقدس دوم و سوم بازدید کرد. سرلشکر وحیدی در جریان این بازدید، اظهار داشت: کار بسیار ارزشمندی در بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت برای ثبت آنچه در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم رخ داد، صورت گرفته است. وی دفاع مقدس دوم و سوم را در امتداد دفاع مقدس هشت‌ساله دانست و گفت: کینه ورزی استکبار یک بار از آستین رژیم بعثی صدام بیرون آمد، سپس در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه خود رژیم صهیونیستی و آمریکا مستقیماً وارد صحنه شدند و در جریان دفاع مقدس سوم هم احساس کردند که غیر از خودشان کسی نمی‌تواند وارد این صحنه شود؛ لذا اقدام متجاوزانه رژیم صهیونیستی و رژیم تروریستی آمریکا را در امتداد جنایات صدام می‌دانیم.

فرمانده قرارگاه خاتم: بسیج ظرفیت تحقق بازدارندگی مطلق را دارد

روز گذشته، فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) طی پیامی خطاب به حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طائب رئیس سازمان بسیج مستضعفین با بیان اینکه بسیج، فراتر از یک تشکیلات سازمانی است، اظهار کرد: تجربه تاریخی نشان داده است که اقتدار پایدار کشور تنها به امکانات و توانمندی‌های مادی وابسته نیست، بلکه انسجام ملی، اعتماد عمومی، آمادگی اجتماعی و اراده جمعی مانند آنچه طی بیش از هشت ماه اخیر از آغاز جنگ تحمیلی رمضان و جنایت تروریستی و ظالمانه و تجاوزکارانه آمریکایی صهیونی تا امروز در میدان‌های حضور مردم مبعوث شده در حمایت از نیروهای مسلح و خونخواهی امام شهید انقلاب رقم خورده است؛ از مهم‌ترین عوامل قدرت و امنیت ملی به شمار می‌روند؛ و بسیج به عنوان یکی از جلوه‌های برجسته این ظرفیت، حلقه پیوند میان توان دفاعی کشور و سرمایه اجتماعی ملت است.

وی افزود: انتظار می‌رود بسیج با نصب‌العین قرار دادن منویات و انتظارات مقام معظم رهبری و فرماندهی معظم کل قوا در حکم انتصاب ریاست جدید سازمان بسیج مستضعفین، با بهره‌گیری از تجربیات گذشته، بیش از پیش بر تربیت نسل توانمند، توسعه فعالیت‌های علمی و فناورانه، تقویت گروه‌های جهادی و خدمت‌رسان، حمایت از خلاقیت و ابتکار جوانان و گسترش همکاری با دستگاه‌های مسئول، ظرفیت‌های خود را در راستای استمرار راهبرد ایران هرچه قوی‌تر و دست‌یابی کشور به بازدارندگی مطلق متمرکز سازد و با حفظ سرمایه ارزشمند مردمی بودن خود، حضور مؤثر و مسئولانه در متن جامعه و در مسیر آرمان‌های بلند و تمدن‌ساز انقلاب و نظام اسلامی تحکیم و توسعه بخشد.

نوبنیاد از تشدید انتقاد نمایندگان از عملکرد قالیباف و هیئت‌رئیسه در اداره مجلس گزارش می‌دهد

استیضاح ممنوع، تذکر محدود!

مجلس در حالی باید مهم‌ترین نهاد نظارتی بر عملکرد دولت باشد که به گفته تعدادی از نمایندگان، محدودیت در طرح تذکرات، جلوگیری از اعلام وصول استیضاح وزرا و اجرا نشدن برخی قوانین، عملاً ظرفیت نظارتی پارلمان را تضعیف کرده است. امیرحسین ثابتی با انتقاد از قالیباف، دراینباره گفت: ۸ تا ۹ وزیر در صف استیضاح قرار دارند؛ چرا اجازه نمی‌دهید طرح‌های استیضاح آنها اعلام وصول شود؟ کجای قانون اجازه داده است که یک نفر به‌عنوان رئیس مجلس، بیش از سایر نمایندگان تشخیص دهد و به‌جای آنها تصمیم بگیرد؟ همچنین حجت الاسلام رسایی با انتقاد از اجرایی نشدن قانون درقبال معاون اول رئیس جمهور گفت: بارها درباره تابعیت فرزند محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، از کشور آلمان تذکر داده‌ام. آلمان در زمره کشورهای متخاصم با ایران قرار دارد.



قالیباف مانع برکناری محمد شریعتمداری

امیرحسین ثابتی نماینده مردم تهران، با طرح انتقاداتی درباره جلوگیری از اجرای حکم دیوان محاسبات علیه یکی از مدیران، گفت: چرا وقتی یک مدیر متخلف، مانند آقای محمد شریعتمداری، با ورود دیوان محاسبات و صدور حکم انفصال از خدمت مواجه می‌شود، از دفتر آقای قالیباف نامه‌ای ارسال می‌شود و درخواست می‌کنند جلوی اجرای حکم گرفته شود؟ آقای پزشکیان، آیا قرار است جلوی اجرای حکم قانونی دیوان محاسبات گرفته شود؟ وی با تأکید بر ضرورت اجرای قانون از سوی دستگاه‌های مختلف، تصریح کرد: مجلس باید به‌عنوان نهاد قانون‌گذار، پای اجرای قانون بایستد. دولت نیز مجری قانون است و باید در برابر قانون تمکین کند. دیوان محاسبات به وظیفه قانونی خود عمل کرده و درباره تخلف یک مدیر، حکم صادر کرده است؛ مدیری که متأسفانه آثار عملکردش مشخص است.

امیرحسین ثابتی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، روز گذشته در نطق میان‌دستور خود در مجلس با انتقاد از عملکرد هیئت‌رئیسه و رئیس مجلس در محدود کردن فرصت اظهارنظر نمایندگان، اظهار کرد: چرا تذکرات یک، دو و سه دقیقه‌ای نمایندگان حذف شده است؟ چرا به جای اینکه جلسات مجلس ساعت ۸ یا نهایتاً ۸:۳۰ آغاز شود، با یک ساعت تأخیر شروع می‌شود تا همکاران ما برای گرفتن دو یا سه دقیقه وقت اضافه ناچار به پیگیری باشند؟ این رفتار در حق نمایندگان ظلم است.

نماینده مردم تهران با بیان اینکه عملاً فرصت صحبت کردن نمایندگان محدود شده است، خطاب به حاجی بابایی گفت: شما که سال‌ها در مجلس حضور داشته‌اید، آیا چنین مجلسی در دوره‌های گذشته سابقه داشته است؟ مجلسی که هم در نحوه برگزاری جلسات و هم در شیوه اداره آن، آیین‌نامه‌اش نقض شود؟

وی با اشاره به برگزاری هفتگی و یک‌روزه جلسات مجلس، افزود: اکنون جلسات مجلس به‌صورت هفتگی و تنها یک روز برگزار می‌شود. استدلال این است که نمایندگان نباید در یک مکان تجمع کنند. این استدلال را می‌پذیریم؛ اما سؤال این است که چرا جلسات فقط هفته‌ای یک بار برگزار می‌شود؟ چرا هفته‌ای سه جلسه برگزار نمی‌شود؟

این نماینده مجلس با طرح این پرسش که چرا بیش از ۲۰۰ نماینده هم‌زمان در ساختمان کمیسیون‌ها حضور دارند، اظهار کرد: آیا اسرائیل فقط ساختمان صحن مجلس را می‌شناسد و ساختمان کمیسیون‌ها را نمی‌شناسد؟ مجموعه این اقدامات نشان‌دهنده اراده‌ای است که می‌خواهد مجلس را از جایگاه رأس امور به حاشیه امور منتقل کند و متأسفانه این اتفاق تا حد زیادی رخ داده است.

ثابتی با انتقاد از محدود شدن ظرفیت نظارتی مجلس بر عملکرد دولت، خاطرنشان کرد: به دلیل قفل شدن مجلس، وزرای ناکارآمد امروز احساس امنیت حداکثری می‌کنند.

وی با اشاره به افزایش قیمت مسکن در تهران، گفت: در یک سال گذشته، میانگین قیمت مسکن در تهران از حدود ۱۰۰ میلیون تومان به ۳۰۰ میلیون تومان رسیده و سه برابر شده است. آیا در چنین شرایطی نباید برای مردم فریاد بزنیم؟ این وضعیت نتیجه مجلسی است که نیمه‌تعطیل شده و حتی نمی‌تواند یک وزیر ناکارآمد را استیضاح کند.

ثابتی در ادامه با انتقاد از جلوگیری از اعلام وصول طرح‌های استیضاح وزرا، اظهار کرد: استیضاح ۹ وزیر مطرح شده، اما با وجود گذشت بیش از یک سال، بسیاری از این طرح‌ها همچنان اعلام وصول نشده‌اند؛ صرفاً به این دلیل که یک نفر صلاح نمی‌داند. کجای قانون اجازه داده است که یک نفر به‌عنوان رئیس مجلس، بیش از سایر نمایندگان تشخیص دهد و به جای آنها تصمیم بگیرد؟

این نماینده مجلس با انتقاد از تمرکز تصمیم‌گیری در هیئت‌رئیسه، گفت: اگر قرار است مجلس این‌گونه اداره شود، بهتر است اعلام کنیم که یک نفر به‌عنوان عقل کل به جای همه تصمیم می‌گیرد و دیگران نیازی به حضور در مجلس ندارند. اگر قرار است یک نفر همه امور مجلس را اداره کند، دیگر چه نیازی به حضور نمایندگان است؟

پرونده تابعیت فرزند عارف در دیوان محاسبات

علاوه بر این، حجت‌الاسلام حمید رسایی، نایب‌رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس، روز گذشته در جریان جلسه علنی مجلس با انتقاد از اجرانشدن قوانین پس از طی مراحل قانونی، اظهار کرد: بارها درباره تابعیت فرزند محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور، از کشور آلمان تذکر داده‌ام. این در حالی است که آلمان در زمره کشورهای متخاصم با ایران قرار دارد و صدراعظم این کشور نیز در جریان جنگ اخیر، اظهاراتی درباره نقش رژیم صهیونیستی در انجام اقدامات به نمایندگی از آلمان مطرح کرده است.

رسایی ادامه داد: وزیر اطلاعات در جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، گزارشی درباره این موضوع ارائه کرد و در پاسخ به پرسش مطرح‌شده نیز صراحتاً اعلام شد که فرزند آقای عارف تابعیت آلمان را دارد. بنابراین، مستندات این موضوع نیز ارائه شده و پرونده آن در دیوان محاسبات در حال پیگیری است.

سیاسی

آیت‌الله جوادی آملی: تجمعات شبانه مانند احیای شب‌های قدر است



آیت‌الله جوادی آملی با اشاره به حمله دو قدرت اتمی به کشور و ناکام ماندن آنها در دستیابی به اهدافشان، اظهار کرد: هیچ‌کس تصور نمی‌کرد دو ابرقدرت اتمی به کشوری حمله کنند و در نهایت ناکام بمانند. وی با تأکید بر حق دفاع از سرزمین در برابر تجاوز بیگانگان گفت: اگر بیگانه‌ای وارد سرزمینی شود و بخواهد زمین، خانه، وطن و میهن مردم را غارت یا غصب کند و دست به کشتار بزند، مقابله و کشتن او حق مسلم مردم است. آیت‌الله جوادی آملی افزود: این همان سخنی است که پیامبر اکرم(ص)، امیرالمؤمنین(ع)، امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بر آن تأکید کرده‌اند و همین آموزه‌های دینی، شیعیان را به حضور در صحنه و حفظ خیابان‌ها ترغیب کرده است.

وی با اشاره به نقش مردم در کنار نیروهای مسلح در دفاع از کشور تصریح کرد: همان‌گونه که برادران ارتشی و سپاهی سنگرها را حفظ می‌کنند، مردم نیز میدان مبارزه را حفظ کرده و با حضور خود در خیابان‌ها، از کشور دفاع می‌کنند؛ حضوری که مردان و زنان، بزرگ و کوچک، در آن مشارکت دارند.

این استاد حوزه علمیه در ادامه با تجلیل از حضور مستمر مردم در تجمعات شبانه، به‌ویژه افرادی که بیش از ۲۰۰ شب در خیابان‌ها حضور داشته‌اند، اظهار کرد: از خداوند متعال مسئلت داریم عزت، جلال و شکوه دنیا و آخرت را نصیب همه مردم این سرزمین، به‌ویژه عزیزانی کند که با حضور مستمر خود در خیابان‌ها از کشور و آرمان‌های آن دفاع می‌کنند. وی خاطرنشان کرد: این میدان‌داران و کسانی که شب‌ها را با حضور و تلاش خود زنده نگه می‌دارند، گویی شب‌های مبارک را احیا کرده‌اند و شایسته‌اند که خداوند سعادت دنیا و آخرت را نصیب آنان کند و آمریکا و رژیم صهیونیستی را به خاک مذلت بنشاند.

"نوبنیاد" از خطاهای محاسباتی احزاب و مسئولان غربگرا در نتیجه خدعه و فریب آمریکایی‌ها گزارش می‌دهد

دشمن صمیمی؛ اشتباهی سخت و پرهزینه

تضاد عبارت «دشمن صمیمی» عینا در عبارت «تفاهم با آمریکا» نیز موجود است؛ اما غفلت برآمده از اولی، همواره چشم‌ها را به روی تضاد دومی بسته و هزینه‌زا شده. چنان حدود یک دهه گذشته که دشمن از مسیر صمیمیت دستاوردهایی چون حدود ۱۰هزار کیلو اورانیوم در برجام داشته که با جنگ نظامی حتی موفق به گرفتن ۴۴۰ کیلو از آن هم نشد. دشمن هنگامی صمیمی می‌شود که نخواهد یا نتواند هزینه زیادی بدهد؛ آنگاه است که با شما می‌نشیند، گفتگو می‌کند، رفت‌وآمد می‌کند، می‌خندد، دست می‌دهد، رفاقت می‌کند و همه‌کار می‌کند.



حمید لشگری
روزنامه‌نگار

نتیجتا رئیس جمهور وقت ما اوباما را فردی باهوش و مودب معرفی می کند و چشم به روی تحریم‌های فلج‌کننده‌اش و گزینه نظامی‌اش که همواره روی میز بود می بندد. اوبامایی که اخیرا در نقد جنگ ترامپ به ثمرات همین صمیمیت اذعان کرد که: «برای این کار (توقف برنامه هسته‌ای ایران) حتی نیازی به شلیک یک موشک هم نداشتم؛ فقط دیپلماسی کردم»؛ که محور این دیپلماسی نیز تزویر و القای صمیمیت بود؛ شرمن، مذاکره‌کننده ارشد آمریکا، هنگامی که دید عراقچی در موبایل خود تصاویر نوه تازه متولدشده‌اش را نگاه می کند، بلافاصله نزدیک او شد و تصاویر نوه تازه متولدشده خود را نشانش داد. او را با نام کوچک صدا می کرد و یا جایی در مذاکرات برای پیشبرد خواسته‌های آمریکا، زیر گریه زد.

یا فرانچسکو که به روایت ظریف با نمایش خیرخواهی و این توجیه که «نمی خواهم دیگر تحریمی پس از توافق اعلام شود» واژه «لغو» را به «تعلیق» تغییر داد؛ ده سال بعد تمامی قطعنامه‌های تعلیق‌شده تحریمی با ماشه بازگشتند اما تحجر ظریف در این مسیر، دقیقا همان روزها تیتر یک سازندگی، روزنامه صمیمی با دشمن وجودی شد که: «از گذشته عبور کنیم» و عبرت نگیریم و به صمیمیت خود ادامه دهیم؛ حتی پس از آنکه دشمن در میانه مذاکرات بهار ۱۴۰۴ به کشور حمله کرده بود و رویابافی های چندهزار میلیارددلاری دیگر روزنامه این جریان یعنی «اعتماد»، حضرتی و مرعشی را رسوا کرد. رویاهایی که همزمان بودند با آماده‌سازی دشمن برای حمله، ۸ماه قبل‌تر از جنگ ۱۲روزه به اعتراف آکسیوس؛ رویاهایی که مکمل ابزار فریب دشمن یعنی مذاکرات شدند.

مرعشی، یکی از افراد شاخص همین جریان، ۱۹آبان ۱۴۰۳ و پس از پیروزی ترامپ از «زمان ترک مخاصمه» گفت که در سازندگی، روزنامه حزبش، تیتر یک شد. این حد از صمیمیت با قماربازی که در دوره اول خود ملت ایران را تروریست نامید و قهرمان مبارزه با تروریسم را به شهادت رساند و در زندگی بیش از هر چیزی فریب دادن را مشق کرده، هزینه‌های جبران ناپذیر بعدی را بر ایران تحمیل کرد. ۳ جنگ در میانه دو مذاکره و پس از یک تفاهم. شهادت صدها نفر در مدرسه میناب، ناو غیرمسلح دنا، سالن ورزشی لامرد، ۱۴ دانشمند برجسته، ده‌ها فرمانده ارشد و در راس همه رهبری و مجموعا حدود ۵هزار نفر در سه جنگ و ۳۱۱۷ کشته و شهید در آشوب‌های دی‌ماه به سرکردگی رسمی ترامپ، هنوز اذهان اشغال‌شده غربگرایان را آزاد نکرده.

عراقچی، معمار آینه عبرت صمیمیت با دشمن در تاریخ معاصر ایران یعنی برجام، در آخرین به‌روزرسانی های خود از جدی نگرفتن و حسن نیت به دشمن، پس از طرح هفت‌روزه و دوروزه حالا از طرح دوساعته (که هیچ امکانی جهت صحت‌سنجی اقدامات آمریکا ندارد)، برای اجرای شروط ۷گانه ایران و بازگشایی تنگه نام برده؛ تا پس از آن مطابق میل ترامپ، مذاکرات هسته‌ای آغاز شوند و این دشمن وجودی شبیه به آنچه شاکری، مشاور قالیباف گفت، برایش پل پیروزی ساخته شود و بتواند جنگ بی ثمر ۹ماهه را توجیه کند. دشمنی که بارها رسما از تسلیم بی قیدوشرط گفته، خواهان تصاحب نفت ایران شده، تهدید به نابودی تمدن کرده و از جنگ تمدنی با ایران گفته که از ۲۵۰۰ سال پیش وجود داشته.

ذهن اشغالی و احساس صمیمیت با این دشمن تمدنی و وجودی، لزوما ناشی از هشت سال تحصیل روحانی و ۴ سال تحصیل عراقچی در بریتانیا و ۱۲ سال تحصیل ظریف در آمریکا در حین دفاع مقدس نیست؛ این احساس جدی نبودن دشمن می‌تواند چنان ویروس در محاسبات آن‌ها که حتی سابقه جبهه و جنگ دارند نیز نفوذ کند؛ سپس این مغزویروسی شده، اگر آمریکا از سر استیصال و جهت خروج از فشار جنگ بگوید ۳۰۰ میلیارد دلار برای بازسازی ایران می دهد، باور می کند، اما اگر (همان‌طور که اخیرا پزشکیان اذعان کرد) رهبری بگوید غرامت بگیرید، می گوید نمی‌شود و آمریکا نمی دهد؛ اگر دشمن به کسانی که غفلت نمی کنند و زیر بار صمیمی شدن با او نمی روند بگوید تندرو، او نیز با دشمن هم‌صدا می‌شود؛ اگر ترامپ بگوید تفاهم ارزش کاغذش را هم ندارد، ساکت است اما اگر خودی بگوید سوء‌تفاهم است، آشفته می‌شود؛ همان‌طور که در برجام وقتی ترامپ گفت توافق را پاره می کنم، ساکت ماند، اما آنگاه که امام شهید گفت پاره کنی آتش میزنم، آشفته شد و حتی جسارت کرد.

این غفلت برآمده از این خطای محاسباتی که «دشمن آنقدرها هم جدی نیست»، گاه در صداقت بی جا که تنها پیام ضعف می فرستد، تجلی می کند؛ ناله های پیوسته که «پشت سد آب نیست، زیر پایمان آب نیست و چیزی هم نمی بارد» از سوی پزشکیان، نتانیاهوی یزید صفت را با پارچی از آب و یک لیوان جلوی دوربین آورد تا صمیمیتش در اذهان برخی مسئولان ایرانی را به اذهان مردم نیز منتقل کند؛ همان مسئولی که ناباورانه اعلام کرده بود «اسرائیل سلاح‌هایش را زمین بگذارد، ما هم سلاح‌مان را زمین می گذاریم». اظهار عجزهایی که دشمن را به طمع انداخت هدف گرفتن برخی زیرساخت‌ها را در جنگ ۴۰روزه تست کند؛ البته حالا و در بحبوحه تهدیدات زیرساختی، پیام‌های ضعف رئیس جمهور، از نشستن در یک اتاق تاریک با کاپشن، تا گفتن اینکه نفت نمی توانم بفروشم و مالیات نمی توانم بگیرم با قوت ادامه دارند.

یا در شکلی دیگر، دشمن صمیمی موجب می‌شود در بحبوحه جنگش با متحد استراتژیک‌مان یعنی یمن، خوشحال و صمیمی به مراسم تولد رژیم جنایتکارش برویم و کیک ببریم؛ یا از هیچ فرصتی برای ابراز ارادت و صمیمیت نسبت به باکو و علیف غافل نشویم؛ که تامین کننده شماره ۱ نفت صهیون‌هاست و نقشش در جنگ‌ها علیه ایران غیرقابل کتمان؛ یا پس از جنگ با ولیعهد یکی از شهرهای امارات بنشینیم و از فراموش کردن گذشته بگوییم؛ کشورکی که رسما جنگنده بلند کرد و لاوان را زد و نقش پررنگی در جنگ و پساجنگ برای بازگشایی تنگه و تقبل ریسک‌های عبور از آن داشته.

تجربه همین حدود یک دهه گذشته نشان داده دشمن صمیمی که دل به ذهن‌های اشغال‌شده و آکنده از خطای محاسباتی در داخل بسته، از طریق جنگ شناختی بسیار خطرناک‌تر و زیان‌بارتر بوده از دشمنی که علنا جنگ نظامی راه انداخته؛ نزدیک به ۱۰هزار کیلو اورانیوم گرفته، قلب رآکتور اراک بتن ریخته، تعداد سانتریفیوژها و درصد غنی‌سازی را کم کرده، برای تحقیق و توسعه محدودیت گذاشته، نظارت گسترده بازرسان آژانس را تحمیل کرده و تنگه هرمز را (ولو مقطعی) باز کرده؛ که از انجام تک به تک آن‌ها در جنگ عاجز بوده. لذا این تصور باطل است «اگر هنوز کسانی هستند که اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی های حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند»؛ و یا می خواهند امتیاز دهند تا دشمن را از دشمنی منصرف کنند؛ همان‌ها که می خواستند برای ترامپ پل پیروزی بسازند و یا گمان می کردند با صمیمی شدن با ونس، چیزی تغییر می کند.

سامانه نمایندگی حجت‌الاسلام رسایی بازشد

درپی اعتراضات گسترده نمایندگان مجلس به محدودیت‌های ایجاد شده برای حجت الاسلام رسایی، بالاخره صبح روز گذشته، سامانه نمایندگی وی بازشد. رسایی دراینباره گفت: به دلیل مصالح کشور برخی نکات را بیان نمی کنم، با آقای قالیباف دعوا نداشتم و قهر نبودم تا نیاز به آشتی باشد، با اصرار نمایندگان مواجه و مصافحه بین بنده و آقای قالیباف برقرار شد، همانطورکه قبلا اعلام کردم هیچ دلیلی برای عذرخواهی وجود ندارد، به ایشان اعلام کردم که برخی اطرافیان در حال ضربه زدن به او هستند، تاکید کردم این مسیر باعث لطمه به اوست.

یادداشت

بسیج؛ از دفاع برای ایران تا ساختن ایرانی شایسته دفاع

سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی
معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم

بسیج را نمی توان صرفاً در روزهای جنگ و هنگامه تهدید تعریف کرد. اهمیت واقعی یک نیروی مردمی، تنها هنگام حمله به کشور آشکار نمی شود؛ بلکه در روزهای پس از بحران و مواجهه جامعه با مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز باید خود را نشان دهد. بسیج اگر در هر دو میدان دفاع از کشور و ساختن آینده آن نقش‌آفرین باشد، از یک ظرفیت سازمانی به سرمایه‌ای راهبردی برای ایران تبدیل خواهد شد.

پنجم آذر ۱۳۵۸، امام خمینی (ره) با فرمان تشکیل بسیج مستضعفین، معادله‌ای متفاوت برای قدرت و امنیت ملی ترسیم کردند. در این نگاه، مردم صرفاً دریافت‌کنندگان خدمات امنیتی نیستند، بلکه از ارکان تأمین امنیت، استقلال و اقتدار کشورند. ایده ارتش بیست میلیونی نیز فراتر از ساماندهی نظامی، بیانگر باور به توان یک ملت برای دفاع از سرنوشت خویش بود؛ اندیشه‌ای که همچنان بنیان فهم جایگاه بسیج است.

تجربه جنگ دوازده‌روزه و رویارویی های نظامی اخیر نشان داد که جنگ معاصر به مرزهای جغرافیایی محدود نیست. دشمن در جنگ ترکیبی، هم‌زمان توان دفاعی، زیرساخت‌ها، اقتصاد، افکار عمومی و اعتماد اجتماعی را هدف می گیرد. در چنین شرایطی، قدرت کشور را نمی توان صرفاً با تجهیزات و توان رزمی سنجید؛ انسجام اجتماعی، آمادگی دفاعی، پدافند غیرعامل و توان بازسازی پس از بحران نیز اجزای جدایی ناپذیر امنیت ملی هستند. جامعه‌ای که زیرفشارها از هم نپاشد، از قدرت بازدارندگی عمیق‌تری برخوردار است.

شعار امسال هفته بسیج، جان‌فدای ایران، امید مستضعفان، دو مسئولیت مکمل را پیش روی این نهاد قرار می دهد. جان‌فدای ایران بودن، یعنی پاسداری از استقلال، تمامیت ارضی، عزت ملی و زندگی شرافتمندانه مردم. امید مستضعفان بودن نیز یعنی ایستادن در برابر سلطه و بی عدالتی و حمایت از ملت‌هایی که برای تعیین سرنوشت خود مبارزه می کنند. در این معنا، فرهنگ بسیجی با ایثار و شهادت پیوند می خورد و جبهه مقاومت، جلوه‌ای از اراده ملت‌ها برای رهایی از سلطه است.

هویت بسیج نباید در روزهای تهدید و درگیری خلاصه شود. محله، مسجد، خانواده، دانشگاه و محیط کار، میدان‌های واقعی کنشگری اجتماعی‌اند. اگر مسجد به کانون شناسایی مسائل محله تبدیل شود، نیروهای متخصص بسیج برای حل مشکلات آموزش، سلامت و اشتغال به میدان بیایند و محرومیت‌زدایی از اقدامات مقطعی به برنامه‌ای مستمر تبدیل شود، بسیج در متن زندگی مردم حضوری مؤثر خواهد داشت. ارزش این حضور به میزان گره‌هایی بستگی دارد که از زندگی مردم باز می کند.

مواجهه با شرایط جدید، مستلزم بازنگری در شیوه‌های سازماندهی، آموزش و ارتباط با نسل جوان است. بسیج آینده، در کنار آمادگی دفاعی، به دانش تخصصی، خلاقیت و شناخت دقیق مسائل جامعه نیاز دارد. جهاد تبیین، مقابله با جنگ شناختی، تقویت وحدت ملی، شفافیت عملکرد و پذیرش نقد سازنده، از الزامات این تحول است. چنین رویکردی بسیج را به نیرویی مسئله‌محور و اثرگذار در حکمرانی و پیشرفت کشور تبدیل می کند.

بسیج را باید با مسئله‌هایی سنجید که حل می کند، امیدی که می آفریند و مسئولیتی که بدون چشمداشت می پذیرد. جان‌فدایی در لحظه خطر، قله فرهنگ بسیجی است؛ اما خدمت بی منت در روزهای عادی، صداقت و استمرار این فرهنگ را اثبات می کند. سرمایه اجتماعی بسیج زمانی تقویت می شود که مردم حضور آن را در کنار خود و در مسیر رفع مشکلاتشان احساس کنند.

پنجم آذر، فرصتی برای بازخوانی فلسفه تشکیل بسیج و تجدید عهد با آرمان‌های آن است. بسیج فقط نیرویی برای حفظ ایران در برابر تهدیدها نیست؛ نیرویی برای ساختن ایرانی است که شایسته دفاع کردن باشد؛ ایرانی برخوردار از امنیت، عدالت، پیشرفت، امید و کرامت انسانی. این همان افق بلند بسیج است: جان‌فدایی برای حفظ ایران و تلاش برای ساختن ایرانی قدرتمندتر، عادلانه‌تر و شایسته‌تر.

ثبت دلار ۲۹۴ هزار تومانی در اقتصاد ایران



جهش قیمت ارز در بازار غیررسمی همچنان ادامه دارد؛ به‌طوری‌که نرخ دلار از حدود ۲۶۹ هزار تومان در ابتدای هفته جاری (۳۰ آبان)، دیروز (چهارشنبه) به محدوده ۲۹۴ هزار تومان رسید. بنابراین، طی پنج روز ۲۶ هزار تومان (۱۰ درصد) افزایش قیمت را تجربه کرده است. برخی، محرک اصلی نوسانات ارزی طی چند روز گذشته را تحریم مرکز مبادله ارز و طلای ایران از سوی آمریکا عنوان می‌کنند. با این حال، مرکز مبادله به‌عنوان نهاد ثبت و انجام معاملات ارزی، تنها یکی از اجزای ساختار ارزی کشور است؛ این در حالی است که بانک مرکزی کشورمان که نهاد اصلی و بالادست محسوب می‌شود، از اواخر دهه ۱۳۸۰ شمسی تحریم شده است. برخی کارشناسان می‌گویند یکی از عوامل اثرگذار بر افزایش قیمت ارز، سیاست‌های ارزی دولت و سیگنال‌هایی است که از سوی سیاست‌گذار به بازار مخابره می‌شود. افزایش تدریجی و روزانه نرخ ارز در مرکز مبادله، این پیام را به فعالان اقتصادی منتقل می‌کند که سیاست‌گذار برنامه مشخصی برای کنترل و کاهش نرخ ارز رسمی ندارد؛ به‌طوری‌که نرخ حواله دلار در مرکز مبادله نیز دیروز به ۱۹۵ هزار تومان رسید که در مقایسه با ابتدای امسال، بیش از ۴۲ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

اما در این میان، آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند، نبود پاسخگویی روشن بانک مرکزی و دولت درباره جهش اخیر قیمت دلار است. در شرایطی که نرخ ارز طی چند روز ۲۴ هزار تومان افزایش یافته و به مرز ۲۹۳ هزار تومان نزدیک شده، انتظار می‌رفت سیاست‌گذار پولی درباره دلایل این اتفاق، وضعیت عرضه ارز و برنامه خود برای مدیریت بازار توضیح دهد، اما ساختمان شیشه‌ای میرداماد و میدان پاستور در برابر این افزایش سکوت کردند؛ موضوعی که نشان می‌دهد دولت برای مواجهه با این شرایط برنامه‌ای ندارد.

سکوت بانک مرکزی و نبود برنامه روشن برای مدیریت بازار، این پیام را به فعالان اقتصادی مخابره می‌کند که سیاست‌گذار در مهار انتظارات تورمی موفق نبوده است. با این حال نرخ دلار در بازار غیررسمی در آغاز به کار دولت چهاردهم، یعنی ۳۱ مرداد ۱۴۰۳، حدود ۵۸ هزار تومان بود اما این نرخ دیروز و در لحظه تنظیم این گزارش به ۲۹۱ هزار و ۸۵۰ تومان رسید. بنابراین، قیمت ارز در ۲۷ ماه فعالیت دولت چهاردهم بیش از ۴۰۰ درصد افزایش یافته و ۵ برابر شده است.

موج خبر

رشد ۳۰۰ درصدی قیمت مسکن حاصل سوءمدیریت دولت است

عضو کمیسیون عمران مجلس گفت: متأسفانه آماری که اخیراً اعلام شد، نشان می‌دهد قیمت مسکن در پایتخت طی یک سال اخیر با رشد عجیب ۳۰۰ درصدی مواجه شده است؛ به‌نحوی‌که قیمت هر مترمربع آپارتمان در پایتخت در آبان ماه سال گذشته تقریباً ۱۰۰ میلیون تومان بود، اما در آبان‌ماه امسال به ۳۱۰ میلیون تومان رسیده است. محمد منان رئیسی با اشاره به اینکه نرخ تورم سالانه کشور طبق آمارهای مرکز آمار زیر ۱۰۰ درصد و دو رقمی است، افزود: تورم مسکن در تهران، برخلاف تورم عمومی، سه‌رقمی شده و به ۳۰۰ درصد رسیده است. نکته عجیب اینجاست که در هیچ کشوری دیده نشده است که در زمان درگیری با جنگ، قیمت مسکن چنین جهشی پیدا کند؛ چراکه جنگ و قیمت مسکن رابطه معکوس دارند و معمولاً با شدت گرفتن جنگ، اقبال به خرید و فروش مسکن کاهش می‌یابد و قیمت‌ها افت می‌کند، اما در ایران، متأسفانه برخلاف روند معمول جهانی، شاهد افزایش عجیب قیمت بوده‌ایم.

وی با بیان اینکه ریشه اصلی این بحران در سیاست‌های اشتباه دولت قرار دارد، ادامه داد: طی نامه‌ای مکتوب به رئیس جمهور در حدود یک سال و نیم پیش هشدار دادم که با محروم کردن مردم از حق قانونی خود طبق اصل ۳۱ قانون اساسی و بستن سامانه‌های ثبت‌نام، بحران آفرینی می‌شود. از مجموع حدود ۱۴۰۰ شهر کشور، در حال حاضر سامانه ثبت‌نام مسکن تنها در حدود ۱۰۰ شهر باز است و در نزدیک به ۱۳۰۰ شهر، از جمله پایتخت، مردم از حق قانونی خود محروم شده‌اند.

این نماینده مجلس گفت: وقتی تقاضای واقعی و ضروری مردم برای مسکن پاسخ داده نشود و تعادل میان عرضه و تقاضا در حوزه زمین و مسکن به هم بخورد، نتیجه آن جهش وحشتناک و بی‌سابقه قیمت‌ها خواهد بود. این وضعیت بیش از آنکه ناشی از جنگ، تحریم یا محاصره دریایی باشد، حاصل ناترازی مدیریتی و تصمیمات اشتباه است؛ چراکه میلیون‌ها هکتار زمین در کشور و میلیاردها مترمربع زمین در تملک وزارت راه و شهرسازی وجود دارد که می‌توانست برای جلوگیری از این تورم به مردم عرضه شود. رئیسی بیان کرد: طبق گزارش‌ها، قیمت سیمان، تیرآهن و میلگرد بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ درصد رشد داشته‌اند. سیمان، تیرآهن و میلگرد عموماً در داخل کشور تولید می‌شوند و جزو کالاهایی نیستند که در بنادر معطل مانده یا تحت تأثیر محاصره دریایی باشند. در جنگ نیز کارخانه‌های تولید میلگرد و تیرآهن آسیبی ندیدند. کارخانه‌های فولادی که آسیب دیدند نیز محصولات مصرفی صنعت ساختمان تولید نمی‌کردند.

بررسی بحران شایسته‌سالاری در دولت چهاردهم و پیامدهای آن در مدیریت اقتصاد؛

سکوت بانک مرکزی در هیاهوی بازار ارز

در شرایطی که بازار ارز با افزایش شتابان نرخ‌ها و تشدید انتظارات تورمی روبه‌روست، سکوت دولت و بانک مرکزی بیش از هر زمان دیگری پرسش برانگیز شده است. نهادی که وظیفه اصلی آن حفظ ثبات پولی (حفظ ارزش پول ملی) و مدیریت بازار ارز است، در مقابل جهش نرخ ارز باید با شفاف‌سازی، ارائه برنامه و پاسخ‌گویی به مردم، مانع از تشدید بی‌اعتمادی شود. با این حال، به نظر می‌رسد ضعف در نظام تصمیم‌گیری دولت چهاردهم و ناهماهنگی تیم اقتصادی، سیاست‌گذار را به سکوت واداشته است؛ سکوتی که نه‌تنها التهاب بازار را کاهش نمی‌دهد، بلکه میدان را برای گسترش انتظارات تورمی و افزایش بیشتر نرخ بازتر می‌کند.



احمد ایماندوست
عضو اتاق بازرگانی مشهد و آبادان

بررسی کارنامه مدیریتی کشور طی چهار دهه گذشته، پرسش بنیادینی را پیش روی تحلیلگران قرار می‌دهد: چرا در حوزه‌های نظامی و دفاعی، با وجود تحریم‌ها و محدودیت‌های شدید، شاهد شکل‌گیری ساختارهای منسجم، تربیت نیروهای متخصص و دستیابی به دستاوردهای چشمگیر بوده‌ایم، اما در بخش‌های کلیدی اقتصاد و اداره بنگاه‌های بزرگ، همچنان با ناپایداری، ناکارآمدی، تصمیم‌های پرهزینه و هدررفت منابع ملی دست‌وپنجه نرم می‌کنیم؟ پاسخ این پرسش را پیش از هر چیز باید در تفاوت سازوکار انتخاب، آموزش، ارتقا و ارزیابی عملکرد مدیران در این دو حوزه جست‌وجو کرد. در ساختارهای نظامی، فرماندهی صرفاً یک عنوان اداری یا امتیاز جایگاهی نیست؛ بلکه محصول یک نظام حرفه‌ای مبتنی بر آموزش مستمر، طی کردن دوره‌های تخصصی و فرماندهی و ستاد، تجربه میدانی، رعایت سلسله‌مراتب، انضباط سازمانی و ارزیابی دقیق عملکرد است. در چنین ساختاری، هیچ فردی بدون سابقه عملیاتی و اثبات توانمندی در میدان عمل، صرفاً به پشتوانه روابط شخصی یا توصیه‌های بیرونی، به رأس یک قرارگاه راهبردی نمی‌رسد. در مقابل، در بخش قابل توجهی از مدیریت اقتصادی و سیاسی کشور، حلقه مفقوده دقیقاً همین نظام حرفه‌ای است. متأسفانه در بسیاری از موارد، وابستگی‌های جناحی، ملاحظات سیاسی، روابط شخصی و سهم‌خواهی گروه‌های ذی‌نفوذ بر تخصص و کارنامه اجرایی غلبه می‌کنند. افزون بر این، مفهوم شایسته‌سالاری نیز گاه به داشتن مدرک تحصیلی یا طول سنوات خدمت تقلیل می‌یابد؛ در حالی که حضور طولانی‌مدت در یک سمت اداری، لزوماً به معنای کسب دانش مدیریتی و توان حل مسئله نیست. معیار واقعی شایستگی، ترکیبی از دانش تخصصی، تجربه اثربخش، سلامت حرفه‌ای، قدرت تصمیم‌گیری، بهره‌وری و توانایی خلق ارزش افزوده و ساختن آینده سازمان است.

پیامدهای نبود نظارت و پاسخ‌گویی

مدیریت نظامی و مدیریت اقتصادی، با وجود اشتراک در اصول بنیادین رهبری و انضباط، تفاوت‌های ماهوی نیز دارند. اداره بنگاه‌های بزرگ اقتصادی، به‌ویژه در صنایع راهبردی همچون نفت، گاز، پتروشیمی، پالایش، فولاد، معدن و حمل‌ونقل، نیازمند دانش فنی عمیق، شناخت دقیق بازارهای داخلی و بین‌المللی، مدیریت منابع مالی، تحلیل ریسک‌های تجاری و حقوقی، قدرت مذاکره و توسعه فناوری است. اقتصاد کشور عرصه آزمون و خطای افراد فاقد صلاحیت نیست؛ چراکه هزینه تصمیم‌های اشتباه در این سطح، مستقیماً از جیب مردم و منابع عمومی پرداخت می‌شود. وقتی انتصاب‌ها بر پایه شایستگی و نظام پاسخ‌گویی انجام نشوند، نظارت نیز کارایی خود را از دست می‌دهد. پرونده‌های مرتبط با شرکت‌های تراستی و واسطه‌های فروش و انتقال میلیاردها دلار از منابع نفتی و همچنین گزارش‌های رسمی درباره حجم بالای تعهدات ارزی ایفانشده و مطالبات وصول‌نشده در برخی مجموعه‌های بزرگ و صادراتی، زنگ خطری جدی درباره نحوه اعتبارسنجی، دریافت تضامین مالی و نظارت بر عملکرد مدیران است. اگرچه باید میان خطای اجرایی، تخلف احتمالی و جرم اثبات‌شده تفاوت قائل شد، اما هیچ ابهامی در مدیریت منابع ملی نباید بدون بررسی شفاف و پاسخ‌گویی رها شود. در کنار نظارت، استقلال حرفه‌ای و تفویض اختیار متناسب با مسئولیت نیز ضروری است؛ زیرا هم «مسئولیت بدون اختیار» مدیر را فلج می‌کند و هم «اختیار بدون پاسخ‌گویی» زمینه ناکارآمدی و فساد را فراهم می‌آورد.

بی‌انضباطی مدیریتی در حوزه سیاست و دیپلماسی

آسیب‌های ناشی از ضعف شایسته‌سالاری و ناهماهنگی سازمانی، تنها به اقتصاد محدود نمی‌ماند و در عرصه سیاست خارجی نیز هزینه‌های سنگین و بلندمدتی بر کشور تحمیل می‌کند. حوادثی همچون حمله به سفارت بریتانیا در تهران (۱۳۹۰) و حمله به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری این کشور در مشهد (۱۳۹۴)، که رهبر شهید انقلاب نیز آن‌ها را اقداماتی بسیار بد، غلط و به ضرر کشور و اسلام دانستند، نمونه‌های روشنی از رفتارهای خودسرانه و غیرمسئولانه هستند. این تجربه‌ها نشان می‌دهند که در روابط بین‌الملل و حکمرانی، انگیزه یا شعار به‌تنهایی کارساز نیست و شناخت منافع ملی، انضباط سازمانی و هماهنگی راهبردی، شرط بقای منافع کشور است.

چرا دولت و بانک مرکزی سکوت کرده‌اند؟

یکی از آشکارترین جلوه‌های همین ضعف در حکمرانی و نبود پاسخ‌گویی، سکوت معنادار دولت و به‌ویژه بانک مرکزی، به‌عنوان متولی اصلی سیاست‌های پولی و ارزی، در بزنگاه‌های رشد شتابان نرخ ارز است. در حالی که در نظام‌های اقتصادی کارآمد، بانک مرکزی هنگام نوسانات شدید، با شفاف‌سازی، ارائه تحلیل دقیق و مداخله هدفمند، انتظارات تورمی را مهار می‌کند، سکوت متولیان در کشور ما ریشه در چند عامل اساسی دارد.

نداشتن برنامه عملیاتی و ابزار کنترل فوری: وقتی سیاست‌گذار پولی با کمبود ذخایر ارزی قابل دسترس، محدودیت‌های انتقال منابع و نبود ابزارهای مؤثر برای تنظیم عرضه و تقاضا مواجه است، هرگونه سخنرانی یا وعده بدون پشتوانه عملیاتی، نه‌تنها بازار را آرام نمی‌کند، بلکه با از بین بردن اعتبار کلام مسئولان، بر التهاب روانی و تقاضای سفته‌بازانه می‌افزاید.

پرهیز از پذیرش مسئولیت و هزینه سیاسی: اظهارنظر رسمی و شفاف‌سازی درباره ریشه‌های جهش ارز، مستلزم اعتراف به عوامل واقعی آن، همچون کسری بودجه ساختاری دولت، رشد نقدینگی، ناترازی بانک‌ها و اختلال در بازگشت ارز صادراتی، و همچنین پذیرش مسئولیت مستقیم وضعیت موجود است. مدیرانی که در ساختارهای غیررقابتی و بر پایه ملاحظات سیاسی منصوب شده‌اند، ترجیح می‌دهند با سکوت و پنهان شدن پشت عوامل بیرونی، از پاسخ‌گویی مستقیم در برابر افکار عمومی و بازار شانه خالی کنند.

ناهماهنگی میان تیم اقتصادی دولت و بانک مرکزی: نبود استقلال حرفه‌ای واقعی برای بانک مرکزی و وجود دیدگاه‌های متعارض میان نهادهای تصمیم‌گیر اقتصادی، باعث می‌شود سیاست‌گذار نتواند پیام واحد، منسجم و قابل اتکایی به فعالان اقتصادی مخابره کند. در نتیجه، سکوت به‌عنوان کم‌هزینه‌ترین گزینه موقت انتخاب می‌شود؛ هرچند همین خلأ ارتباطی خود به تشدید بی‌اعتمادی و سردرگمی بازار دامن می‌زند.

ناتوانی در مدیریت انتظارات و فقدان شفافیت داده‌ها: در بسیاری از مقاطع، متولیان پولی و ارزی خود نیز تصویر روشنی از جریان واقعی عرضه و تقاضای ارز (به‌ویژه در بخش‌های غیررسمی و تعهدات معوق صادراتی) ندارند و از بیم افشای آمارهای نگران‌کننده یا ناتوانی در تحقق وعده‌های پیشین، ترجیح می‌دهند تا فروکش کردن نسبی موج نوسانات، از موضع‌گیری رسمی خودداری کنند.

مسئله اصلی امروز ایران، کمبود انسان‌های توانمند، متخصص و دلسوز نیست؛ چالش اصلی، نبود یک نظام حرفه‌ای جانشین‌پروری، شفافیت و شجاعت برای شناسایی، اعتماد و میدان دادن به سرمایه انسانی شایسته است. همان‌گونه که انتقال تجربه از بخش‌های نظامی و صنعتی به اقتصاد، تنها زمانی ثمربخش است که بر پایه تناسب تخصص و مأموریت صورت گیرد، عبور از بحران‌های کنونی و مهار نوسانات ارزی نیز در گرو اصلاح نظام انتصابات، تضمین استقلال حرفه‌ای نهادهای تخصصی همچون بانک مرکزی و استقرار پاسخ‌گویی واقعی است. مدیریت، امانتی ملی است که باید به شایسته‌ترین افراد سپرده شود و عیار آن نه در شعار، بلکه در میدان عمل و ثبات اقتصادی کشور سنجیده شود.

رئیس بنیاد ملی گندم‌کاران در گفت‌وگو با «نوبنیاد» درواکنش به واردات گندم ۹۰ هزارتومانی:

گندم خارجی، گران‌تر از ایرانی!

معاون وزیر جهاد کشاورزی هزینه تمام‌شده تولید هر کیلوگرم گندم را ۸۵ هزار تومان اعلام کرده بود اما شورای قیمت‌گذاری نرخ خرید تضمینی این محصول را ۷۳ هزار و ۷۶۰ تومان تعیین کرد؛ تصمیمی که با انتقاد کشاورزان همراه شده است. رئیس بنیاد ملی گندمکاران کشور با انتقاد از افزایش هزینه نهاده‌ها و قیمت‌گذاری غیرمنصفانه، خواستار تعیین تکلیف دولت درباره تولید داخلی شد و گفت: دولت باید مشخص کند اساساً گندم تولید داخل را می‌خواهد یا خیر؛ چراکه تداوم این سیاست‌ها انگیزه کشاورزان برای تولید و در نهایت امنیت غذایی کشور را با تهدید مواجه خواهد کرد.

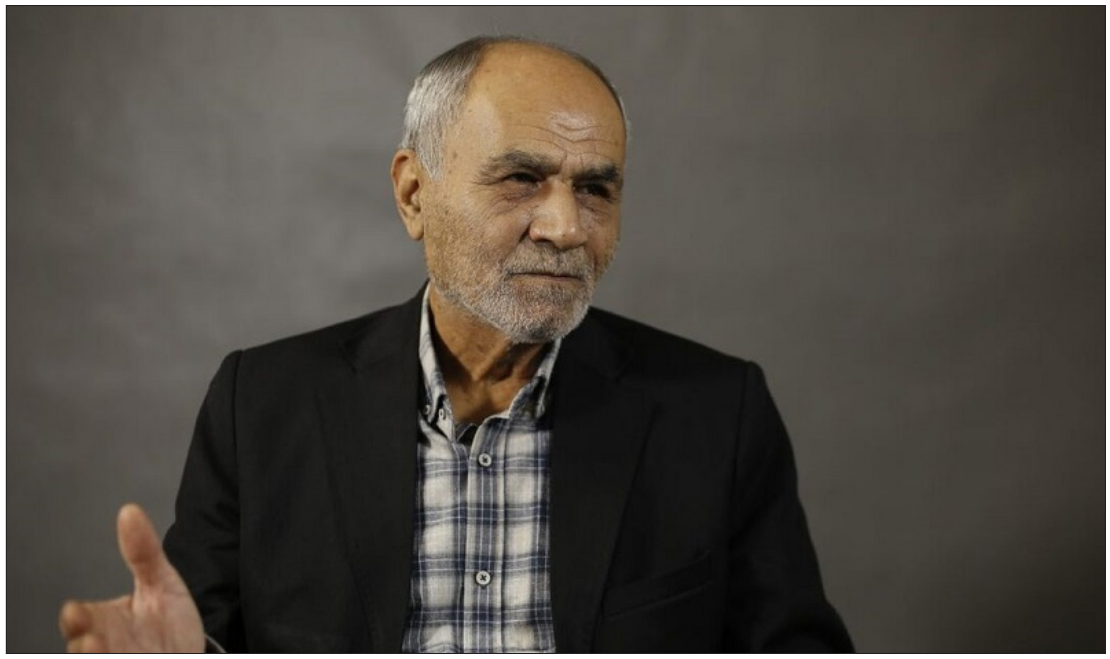

هادی مولایی
روزنامه‌نگار

شورای قیمت‌گذاری و سیاست‌های حمایتی محصولات اساسی کشاورزی، روز سه‌شنبه هفته جاری، قیمت خرید تضمینی گندم را ۷۳ هزار و ۷۶۰ تومان اعلام کرد. این تصمیم که با بیش از چهار ماه تأخیر نسبت به زمان مقرر در قانون برای ابلاغ نرخ خرید تضمینی گندم اعلام شد، در حالی بود که روز قبل از آن، معاون وزیر جهاد کشاورزی هزینه تمام‌شده تولید گندم را ۸۵ هزار تومان اعلام کرده بود. مصوبه شورا از سوی نمایندگان کشاورزان در جلسه به امضا نرسید تا به این ترتیب، اعتراض و مخالفت کشاورزان کشور نسبت به نرخ اعلام‌شده آشکار شود؛ اتفاقی که می‌تواند امنیت غذایی کشور را در سال آینده به خطر بیندازد. در همین ارتباط، علی‌قلی ایمانی در گفت‌وگو با نوبنیاد از عملکرد و سیاست‌گذاری دولت در بخش کشاورزی انتقاد کرد.

اعتراض کشاورزان به قیمت ۷۳ هزار تومانی

ایمانی در گفت‌وگو با خبرنگار ما با انتقاد از نحوه تعیین نرخ خرید تضمینی گندم اظهار کرد: برای تعیین قیمت محصولات کشاورزی، هم زمان مشخصی از سوی قانون‌گذار تعیین شده و هم یک سری فاکتورها در نظر گرفته شده است که باید براساس آنها قیمت محصولات کشاورزی اعلام شود؛ اما متأسفانه نه تنها این کار به موقع انجام نمی‌شود، بلکه هنگام تعیین قیمت نیز اصول و فاکتورهای قانونی رعایت نمی‌شود. وی افزود: وزارت جهاد کشاورزی وظیفه دارد هزینه‌های تولید یک هکتار گندم را از سازمان‌های جهاد کشاورزی استان‌ها دریافت کند. ما نیز به‌عنوان بنیاد ملی گندمکاران کشور، اطلاعات مربوط به هزینه‌های تولید را از نمایندگان خود در استان‌های سراسر کشور دریافت می‌کنیم. همچنین مرکز پژوهش‌های اقتصادی روستایی وزارت جهاد کشاورزی این اطلاعات را تحلیل و قیمت نهاده‌ها را به‌صورت مستند جمع‌آوری می‌کند. پس از این مرحله، جلسه کارشناسی تشکیل می‌شود و این مباحث در جلسات مطرح و بررسی می‌شوند تا اعضای کمیسیون‌ها که نمایندگان اعضای شورا هستند، به یک عدد مشخص برسند. در نهایت، این عدد تصویب و صورت جلسه می‌شود و برای شورای قیمت‌گذاری و سیاست‌های حمایتی محصولات اساسی کشاورزی ارسال می‌شود. ایمانی با اشاره به روند تعیین قیمت خرید تضمینی گندم گفت: قیمت ۸۵ هزار تومان در کمیته‌های کارشناسی مصوب شد و سه یا چهار بار نیز در شورا مطرح شد، اما متأسفانه اعضای شورا که بیشتر آنها از بخش دولتی بودند، این قیمت را قبول نکردند. در جلسه روز سه‌شنبه این شورا، ۶ نفر از اعضا به قیمت ۷۳ هزار و ۷۶۰ تومان رأی دادند که طبق قانون، یک هفته بعد از جلسه شورا، وزیر این نرخ را ابلاغ می‌کند. با این حال، دو کشاورز منتخب و رئیس بنیاد ملی گندمکاران کشور این مصوبه را امضا نکردند و گفتند این نرخ را قبول نداریم.

افزایش چندبرابری قیمت کود و تراکتور

رئیس بنیاد ملی گندمکاران درباره تأثیر آزادسازی قیمت کود و افزایش بهای نهاده‌ها بر هزینه تمام‌شده تولید گفت: اینها جزو عوامل تولید هستند. قیمت هرکدام از اینها تغییر کند، طبیعی است که قیمت تمام‌شده کالا، چه گندم باشد، چه کلزا و چه محصولات دیگر، افزایش پیدا می‌کند. وی ادامه داد: به یکباره قیمت کود ۷۰۰ هزار تومانی را در همین امسال به یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان برای یک پاکت ۵۰ کیلویی می‌رسانند. بعد در ابتدای فصل زراعی، همان قیمت را به ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان افزایش می‌دهند که اکنون به ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسیده است. کشاورز ناچار است کود را با همان قیمت بخرد. ایمانی تأکید کرد: قیمت کود فسفات یک‌باره ۱۰ برابر می‌شود و در عین حال، این کود در دسترس نیست. همه اینها به تولید ضربه می‌زند.

رئیس بنیاد ملی گندمکاران با اشاره به افزایش قیمت ماشین‌آلات کشاورزی گفت: قیمت تراکتور در سال ۱۴۰۵ از یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان به ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان رسیده است؛ از طرف دیگر، بحث سوخت هم مطرح است. متأسفانه سوخت را قطره‌چکانی به کشاورز می‌دهند. انگار عوامل مختلفی دست به دست هم داده‌اند که اصلاً تولید در بخش کشاورزی در کشور اتفاق نیفتد. وی با اشاره به تأثیر نرخ خرید تضمینی و پرداخت مطالبات بر وضعیت اقتصادی کشاورزان گفت: از همه مهم‌تر، قیمت و عدم پرداخت مطالبات است. یعنی قیمت منصفانه نیست، معقول نیست و صرفه اقتصادی برای کشاورز ندارد. خود معاون وزیر جهاد کشاورزی، معاون زراعت، روز دوشنبه اعلام کرد که قیمت تمام‌شده گندم ۸۵ هزار تومان است، اما در جلسه شورا عدد دیگری به دست می‌آید. یعنی ۱۱ هزار تومان از ۸۵ هزار تومان، حق کشاورز است که اینجا دارد از بین می‌رود.

ایمانی تصریح کرد: نمی‌گوییم به کشاورز اعانه یا صدقه بدهند؛ بلکه باید حقش را به او بدهند. آن چیزی را که حقش است، آن چیزی را که قانون برایش تعریف کرده و آن چیزی را که عرف است، پرداخت کنند. وی با اشاره به وضعیت بازار سبوس گفت: گندمی که از کشاورزان خریداری می‌کنند، ۴۹ هزار و ۵۰۰ تومان است که همان را هم به موقع پرداخت نکردند و حتی بخشی از آن را هنوز هم نداده‌اند، الان در بازار هر کیلوگرم آن ۶۸ هزار تومان خرید و فروش می‌شود. تفاوت قیمت را کشاورز هم می‌بیند و این مسائل را با هم مقایسه می‌کند.

دلسردی کشاورزان و زنگ خطر امنیت غذایی

ایمانی با انتقاد از سیاست‌هایی که به تضعیف تولید داخلی منجر می‌شود، گفت: این یعنی ضربه زدن به تولید. یعنی تولید داخلی با شکست مواجه شود و ناپایدار بماند و ما از این طرف مرتب واردات انجام دهیم. بالاخره نان مردم که شوخی ندارد؛ اگر یک روز مردم در صف نان بمانند و نان به آنها نرسد، صدای اعتراضشان به آسمان هفتم می‌رسد. در چنین شرایطی مجبور می‌شویم از هر جایی و به هر قیمتی گندم وارد کنیم. رئیس بنیاد ملی گندمکاران با اشاره به هزینه واردات گندم اظهار کرد: همین الان گندمی که از روسیه، قزاقستان و کشورهای دیگر وارد کرده‌ایم، برای دولت بیش از ۹۰ هزار تومان هزینه در برداشته است. با وجود این میزان هزینه برای گندم وارداتی، اما دولت حاضر نیست گندم کشاورز را به قیمت واقعی خودش بپردازد.

وی اظهار کرد: می‌گوییم دولت تکلیف ما را مشخص کند؛ اگر گندم می‌خواهد، باید بخواهد و پول آن را هم پرداخت کند. اگر نمی‌خواهد، اعلام کند که گندم نمی‌خواهد و کشاورزان خودشان هر راهی را که می‌خواهند انتخاب کنند. این قیمت مدنظر کشاورزان نیست و آنها از روز سه‌شنبه تاکنون اعتراضات خود را به عناوین مختلف مطرح می‌کنند تا دستگاه‌هایی که مسئولیت دارند، صدای کشاورزان را بشنوند. وی گفت: دلمان هم خوش باشد که سرمان بلند است و در شرایط جنگی داریم نان مملکت را تأمین می‌کنیم و کشور دستش را به سوی بیگانه دراز نمی‌کند. اما متأسفانه این اتفاق در حال رخ دادن است.

رشد تولید دغدغه دولت نیست

ایمانی، رئیس بنیاد ملی گندمکاران، می‌گوید: عملکرد دستگاه‌های دولتی، به‌ویژه وزارت جهاد کشاورزی، این تصور را ایجاد می‌کند که گویی به دنبال تولید داخلی نیستند؛ چراکه اگر به دنبال تولید داخلی باشند، باید قیمت منصفانه و معقولی تعیین کنند. اگر به دو سال پیش برگردید، ما یک خشکسالی داشتیم، اما با وجود خشکسالی، با تدابیر دولت شهید رئیسی ۱۲ میلیون تن گندم خریدیم. یعنی در تولید گندم کشور خودکفا شدیم و کشور را در شرایط خشکسالی از واردات گندم بی‌نیاز کردیم. اما سال قبل چقدر گندم خریدیم؟ حدود ۷ میلیون تن و امسال هم ۸ میلیون تن گندم از کشاورز داخلی خریدیم. در حالی که سطح زیر کشت ما همان ۶ میلیون هکتار است. وقتی عوامل تولید این‌گونه به تولید ضربه می‌زنند، کشاورز دلسرد می‌شود.

نبض اقتصاد

دولت کالا را گرفت، پولش را نداد!

بیش از ۲۰ ماه از بلاتکلیفی مطالبات ارزی واردکنندگان کالاهای اساسی می‌گذرد؛ مطالباتی که رقم آن پس از بررسی دستگاه‌های دولتی ۴ میلیارد و ۷۰ میلیون یورو اعلام شده، اما با وجود دستور رئیس جمهور، تأیید وزارتخانه‌های مرتبط و تصویب پرداخت علی‌الحساب در دولت، هنوز به مرحله پرداخت نرسیده است. اکنون اختلاف بر سر نحوه تسویه و مسئولیت تأمین منابع، بار دیگر پرونده را به نقطه اول بازگردانده است؛ به‌گونه‌ای که واردکنندگان در نامه‌ای به رئیس جمهور خواستار پایان دادن به این چرخه فرسایشی شده‌اند. ماجرای این مطالبات به واردات کالاهای اساسی و نهاده‌های دامی از دی‌ماه ۱۴۰۳ بازمی‌گردد. در این سازوکار، واردکنندگان کالاهای مورد نیاز کشور را تأمین کرده‌اند، اما دولت در پرداخت ارز تعهدشده با تأخیر مواجه شده است. طبق بررسی معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی و گزارش‌های وزارت جهاد کشاورزی، بانک مرکزی و گمرک، رقم مطالبات به ۴.۰۷ میلیارد یورو رسیده است. با وجود این، پرونده همچنان میان دستگاه‌های دولتی دست به دست می‌شود.

تسنیم در گزارشی با عنوان «توقف پرداخت طلب ارزی واردکنندگان کالای اساسی، پشت در سازمان برنامه» به تشریح روند طولانی تعیین تکلیف این مطالبات پرداخت و نوشت: جمع‌بندی برای تعیین محل و نحوه پرداخت، از جمله استفاده از ظرفیت صندوق توسعه ملی و سایر منابع در دسترس، به هیئت وزیران و شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا ارسال شده بود. با این حال اختلاف بر سر ضرورت حسابرسی مجدد مطالبات از چهارم آبان‌ماه و پس از اظهارات سید حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، جدی شد. پورمحمدی اعلام کرده بود واردکنندگان باید اسناد و مدارک مطالبات خود را در سامانه وزارت اقتصاد ثبت کنند تا پس از بررسی و تأیید سازمان حسابرسی، فرآیند بازپرداخت دنبال شود. این موضع در حالی مطرح شد که پیش‌تر دستگاه‌های مرتبط، از جمله وزارت جهاد کشاورزی، بانک مرکزی و گمرک، بررسی‌های خود را انجام داده و رقم مطالبات را به تأیید رسانده بودند. این در حالی است که رقم بدهی احصا شده، روش‌های تسویه مورد بررسی قرار گرفته و حتی پرداخت علی‌الحساب در دولت مطرح و تصویب شده، اختلاف بر سر مسیر اجرایی و تأمین منابع همچنان ادامه دارد.

در همین شرایط، ۱۰ تشکل و انجمن فعال در حوزه واردات کالاهای اساسی دیروز در نامه‌ای به مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، نسبت به ادامه بلاتکلیفی مطالبات اعتراض کردند. امضاکنندگان در این نامه تأکید کرده‌اند: متأسفانه در موضوع مطالبات ارزی معوق واردکنندگان کالاهای اساسی (شامل بیش از ۱۰۰۰ شرکت دارای صدها هزار نیروی انسانی)، علی‌رغم بیش از ۲۰ ماه پیگیری، انجام بررسی‌های کارشناسی، احصای مطالبات و تأیید دستگاه‌های مسئول، همچنان شاهد رفتارهای متناقض، تعویق در اجرای تصمیمات و بازگشت مجدد موضوع به فرآیندهای تکراری و فرسایشی هستیم؛ چرخه باطلی که علاوه بر تحمیل خسارات سنگین به بخش خصوصی، اعتماد فعالان اقتصادی به تعهدات دولت را به‌شدت ضعیف کرده است. این تشکل‌ها در نامه خود سه درخواست مشخص را مطرح کرده‌اند. نخست، اجرای دستور قبلی رئیس جمهور برای پرداخت علی‌الحساب بخشی از مطالبات است. آنها در این باره نوشته‌اند: مطابق دستور قبلی جنابعالی، حداقل ۵۰ درصد مطالبات ارزی معوق بخش خصوصی به‌صورت علی‌الحساب و از طریق پرداخت نقدی، گواهی سپرده نقتی و سایر روش‌های قابل اجرا، در اسرع وقت پرداخت شود. این درخواست مطالبه جدیدی نیست، بلکه انتظار اجرای دستور صادرشده از سوی جنابعالی است که تاکنون عملیاتی نشده است.

درخواست دوم واردکنندگان، توقف بازپرداخت اصل و سود تسهیلات ارزی و جرایم بانکی تا زمان تسویه مطالبات است. به گفته آنها، در برابر بیش از ۴ میلیارد یورو طلب از دولت، کمتر از یک میلیارد یورو تسهیلات ارزی به بانک‌ها بدهکار هستند و ادامه فشار بانکی، مشکلات مالی شرکت‌ها را تشدید می‌کند. سومین پیشنهاد نیز تعیین تکلیف قطعی باقی‌مانده بدهی از طریق انتشار اوراق مالی اسلامی ارزی با قابلیت خرید و فروش و تنزیل و سررسید شش ماهه تا یک ساله است.

یادداشت

درس‌هایی از موفقیت انصارالله برای دیگر اجزای محور مقاومت

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

تحولات جدید میدان یمن و تصرف نواحی ساحلی حدفاصل عدن و باب‌المندب از سوی نیروهای انصارالله صرفاً یک پیروزی سرزمینی در معادلات داخلی این کشور نیست؛ بلکه می‌تواند به الگویی راهبردی برای سایر اجزای محور مقاومت تبدیل شود. دور جدید نبرد انصارالله با مزدوران سعودی و اماراتی، در نهایت به آزادسازی حدود ۱۰ هزار و ۴۰۰ کیلومترمربع از خاک یمن و دستیابی به منطقه راهبردی المخا و تنگه باب‌المندب منتهی شده است. این دستاوردها نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با شناخت دقیق صحنه، استفاده هوشمندانه از ظرفیت‌ها و قاطعیت در میدان، محاصره و برتری ظاهری دشمن را به فرصت شکست او تبدیل کرد.

انصارالله در جنگ با عربستان سعودی درس‌هایی را به نمایش گذاشت که فقدان برخی از آنها در عملکرد دیگر اجزای مقاومت، هزینه‌های سنگینی به دنبال داشت؛ از ضربات واردشده به حزب‌الله لبنان تا تحولات عراق و از دست رفتن سوریه. نخستین ویژگی انصارالله صراحت در تهدید و قاطعیت در اجرای آن بود. در ماه‌های اخیر، عربستان جنگی را با هدف قرار دادن فرودگاه صنعا و جلوگیری از فرود هواپیمای ایرانی و شکستن محاصره یمن آغاز کرد؛ اما این اقدام به‌جای آنکه به عقب‌نشینی انصارالله منجر شود، به صحنه شکست سعودی‌ها تبدیل شد. انصارالله تهدیدهای خود را بدون ابهام اعلام می‌کرد و در صورت عبور طرف مقابل از خطوط تعیین‌شده، برای اجرای آنها درنگ نمی‌کرد. حاصل این رویکرد، تحمیل ضربات سنگین و میلیاردی به عربستان، منابع نفتی، خطوط لوله و زیرساخت‌های راهبردی این کشور بود.

ویژگی دوم، شناخت درست از ظرفیت قدرت و زمان استفاده از آن بود. انصارالله در مواجهه با عربستان از توان خود با حداکثر ظرفیت بهره گرفت و در برابر مزدوران اماراتی و سعودی، از جمله نیروهای موسوم به گردان‌های غول، حملات سریع و غافلگیرانه را در دستور کار قرار داد. این تفاوت در شیوه مواجهه، نشان‌دهنده فهم دقیق از تفاوت دشمنان و ضرورت تناسب ابزار با صحنه نبرد بود.

نکته سوم، بهره‌گیری هوشمندانه از جغرافیا بود. انصارالله اهمیت ارتفاعات و ظرفیت طبیعی کوهستان را به‌درستی درک کرده بود؛ همان اصلی که سون‌تزو هزاران سال پیش در اهمیت تسلط بر مناطق مرتفع بر آن تأکید داشت. نتیجه این شناخت، فرسایش و فروپاشی توان نیروهای مزدور در جغرافیایی بود که برتری عددی و تجهیزات آنها را کم‌اثر می‌کرد.

درس دیگر یمن، فهم معادله تسلیحات در شرایط محاصره است. انصارالله سلاح را برای اهداف باارزش حفظ و مصرف کرد و همزمان اهمیت غنیمت‌گیری را در تقویت توان نظامی نادیده نگرفت. تصاویر تازه منتشرشده از محموله‌های عظیم تجهیزات و تسلیحات به غنیمت‌گرفته‌شده، نشان می‌دهد این جنبش نه‌تنها در جریان جنگ تضعیف نشده، بلکه از ظرفیت‌های جدیدی برای تقویت قدرت خود برخوردار شده است.

مسئله اصلی همین جاست: مقاومت فقط با داشتن سلاح پیروز نمی‌شود؛ شناخت میدان، اراده اجرای تهدید، انتخاب زمان و هدف، استفاده از جغرافیا و حفظ منابع نیز تعیین‌کننده است. انصارالله امروز نمونه‌ای از ترکیب هوشمندی، قدرت و قاطعیت در جنگ است؛ الگویی که سایر اجزای محور مقاومت باید از آن درس بگیرند. تجربه یمن ثابت می‌کند که دشمن را نباید صرفاً با قدرت تسلیحاتی‌اش سنجید؛ بلکه باید نقاط ضعف او را شناخت و هزینه تجاوز را به‌گونه‌ای افزایش داد که محاسباتش فروبپاشد.

پس‌لرزه‌های سونامی آبی در آمریکا و آشکار شدن هزینه سنگین جنگ علیه ایران

صدای درد ترامپ از شکست در انتخابات به خاطر حمله به ایران بلندتر شد!

اظهارات پیاپی دونالد ترامپ درباره شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا، اعتراف او به خسارت ۶ تریلیون دلاری بازار و پشیمانی ایلان ماسک از هزینه‌کرد نیم میلیارد دلاری برای نامزدهای جمهوری‌خواه، نشان می‌دهد سونامی آبی دموکرات‌ها برخلاف تلاش اولیه کاخ سفید برای کم‌اهمیت جلوه دادن آن، به زخمی عمیق در اردوگاه ترامپ تبدیل شده است؛ زخمی که جنگ ایران یکی از عوامل اصلی آن است.



احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

موضع‌گیری‌های چند روز گذشته دونالد ترامپ نشان می‌دهد رئیس جمهور آمریکا برخلاف روزهای نخست پس از انتخابات میان‌دوره‌ای سوم نوامبر که تلاش داشت پیروزی سونامی‌وار دموکرات‌ها در هر دو مجلس کنگره را کم‌اهمیت جلوه دهد و از کنار آن عبور کند، اکنون بیش از گذشته با ابعاد و پیامدهای این شکست مواجه شده است. صدای درد ترامپ و حتی متحدان نزدیک او، از جمله ایلان ماسک، این روزها بلندتر از گذشته شنیده می‌شود؛ وضعیتی که نشان می‌دهد نتیجه انتخابات صرفاً یک شکست مقطعی برای جمهوری‌خواهان نبوده و به بحرانی سیاسی در اردوگاه رئیس جمهور آمریکا تبدیل شده است.

ترامپ دو روز گذشته در اظهاراتی با اشاره به وضعیت بازار سهام و پیامدهای انتخابات گفت: «ما ۲۵ تریلیون دلار ثروت ایجاد کردیم. به خاطر انتخابات، حدود ۶ تریلیون دلار از آن را از دست دادیم. اگر در انتخابات پیروز می‌شدیم، احتمالاً ۶ تریلیون دلار دیگر هم به دست می‌آوردیم.»

این اظهارات به‌خوبی نشان می‌دهد که رئیس جمهور آمریکا دیگر نمی‌تواند شکست انتخاباتی را صرفاً یک اتفاق عادی در رقابت‌های سیاسی معرفی کند. او حالا مستقیماً تلاش می‌کند هزینه‌های اقتصادی این شکست را به نتیجه انتخابات گره بزند؛ اعترافی که در کنار سایر موضع‌گیری‌هایش، از آشفتگی و عصبانیت فزاینده وی حکایت دارد.

نگاهی به سخنان ترامپ در هفته‌های گذشته نیز تصویر روشنی از این سردرگمی ارائه می‌دهد. او در نخستین واکنش‌ها، فاکس‌نیوز را به دلیل دعوت مداوم از مخالفان دموکرات و چهره‌های منتقد، مسئول بخشی از شکست‌های جمهوری‌خواهان دانست و گفت: «فاکس‌نیوز با گذاشتن مداوم مخالفان دموکرات و بدتر، مسئولیت این شکست‌ها را دارد.» ترامپ همچنین گرگ ابوت، فرماندار تگزاس، را با عنوان تحقیرآمیز «RINO» خطاب کرد و مدعی شد اگر او در شش ماه پایانی به فرمول اصلی خود بازمی‌گشت، شکست نمی‌خورد.

حدود یک هفته پس از انتخابات، ترامپ در شبکه اجتماعی تروث سوشال، سلامت انتخابات را زیر سؤال برد و نوشت: «آیا کسی واقعاً باور می‌کند این انتخابات صادقانه بود؟ چطور نظرسنجی‌ها این قدر اشتباه بودند؟ برخی از ریزش‌های رأی زودهنگام آن‌قدر بزرگ بودند که پیروز شدن غیرممکن بود... همه چیز درباره ماشین‌هاست که خیلی مهم‌تر از رأی‌دهنده هستند!»

جنگ ایران؛ اعترافی که در اردوگاه ترامپ طنین انداخت

اما یکی از مهم‌ترین ابعاد این شکست، ارتباط آن با جنگ ایران است. جی‌دی ونس، معاون ترامپ، در موضع‌گیری خود درباره انتخابات، جنگ ایران را یکی از عوامل مؤثر بر شکست جمهوری‌خواهان معرفی کرد. ترامپ نیز اظهارات معاونش را «بیانیه خوبی» خواند و پذیرفت که جنگ موجب افزایش قیمت سوخت شده است؛ هرچند مدعی شد میزان افزایش کمتر از پیش‌بینی او بوده است. این موضع‌گیری در حالی مطرح می‌شود که هزینه‌های سیاسی و اقتصادی جنگ اکنون به یکی از مهم‌ترین نقاط اختلاف در اردوگاه جمهوری‌خواهان تبدیل شده است.

ترامپ در روزهای ۲۲ و ۲۳ نوامبر نیز در تروث سوشال مدعی شد که پیش‌تر دو موضوع را درباره انتخابات پیش‌بینی کرده بود: سقوط شدید بازار سهام در صورت پیروزی دموکرات‌ها و افزایش حملات ایران. او نوشت جمهوری اسلامی ایران در هفته گذشته بیش از هر زمان دیگری در بیش از یک سال گذشته پهپاد و موشک شلیک کرده و مدعی شد همه آنها سرنگون شده‌اند. وی همچنین ادعا کرد رهبران ایران دموکرات‌ها را ضعیف و مخرب می‌دانند، اما اجازه نخواهد داد چنین اتفاقی رخ دهد.

ماسک هم از قمار انتخاباتی پشیمان شد

در همین شرایط، اظهارات ایلان ماسک، ثروتمندترین مرد جهان و یکی از مهم‌ترین حامیان سیاسی ترامپ، ابعاد دیگری از بحران در اردوگاه جمهوری‌خواهان را آشکار کرده است. ماسک که در انتخابات میان‌دوره‌ای نزدیک به نیم میلیارد دلار برای حمایت از نامزدهای جمهوری‌خواه هزینه کرده بود، در گفت‌وگو با روزنامه نیویورک تایمز اعتراف کرد: «احساس می‌کنم واقعاً احمقانه عمل کردم که این همه پول خرج کردم، بی‌آنکه دستاورد چندانی داشته باشم؛ البته شاید اگر این هزینه را نمی‌کردم، اوضاع بسیار بدتر می‌شد». ماسک همچنین تأکید کرد این انتخابات نشان داد که سیاست آمریکا صرفاً به پول وابسته نیست و می‌توان مبالغ هنگفتی هزینه کرد، اما تأثیر چندانی بر نتیجه نگذاشت.

اهمیت این اظهارات صرفاً در پشیمانی یک میلیاردر از هزینه‌کرد انتخاباتی نیست؛ بلکه باید آن را در کنار مواضع انتقادی ونس و نگرانی فزاینده چهره‌های جمهوری‌خواه از تصمیمات ترامپ ارزیابی کرد. ماسک از حامیان جریان نزدیک به ونس، مارکو روبیو و پیت هگست در اردوگاه ترامپی‌ها محسوب می‌شود و انتقاد او از نتیجه این قمار سیاسی، نشانه‌ای از افزایش فاصله میان بخش‌هایی از جریان جمهوری‌خواه و رئیس جمهور آمریکاست.

هزینه همراهی شیطانی ترامپ و نتانیاهو

واقعیت آن است که حتی در میان جنگ‌طلب‌ترین جریان‌های سیاسی تاریخ آمریکا نیز اکنون درباره حمله به ایران و هزینه‌های آن تردیدهای جدی شکل گرفته است. وقتی معاون رئیس جمهور جنگ را عامل شکست انتخاباتی می‌داند، ثروتمندترین حامی مالی جمهوری‌خواهان از هزینه‌کرد خود ابراز پشیمانی می‌کند و شخص ترامپ ناچار است مرتب درباره خسارت‌های اقتصادی و سیاسی انتخابات سخن بگوید، دیگر نمی‌توان از یک اختلاف‌نظر معمولی درون‌حزبی صحبت کرد.

این روند می‌تواند برای جمهوری‌خواهان بسیار پرهزینه‌تر از شکست سوم نوامبر باشد. اگر بحران کنونی ادامه پیدا کند، ترامپ نه‌تنها در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۸ با خطر شکست مواجه خواهد شد، بلکه ممکن است جریان‌های رقیب درون حزب جمهوری‌خواه نیز برای کنار زدن او و حذف سیاسی حلقه نزدیک به وی وارد میدان شوند. این همان هزینه همراهی شیطانی ترامپ و نتانیاهو در ماجراجویی نظامی علیه ایران است؛ تصمیمی که قرار بود قدرت آمریکا را به رخ بکشد، اما اکنون به یکی از نقاط آسیب‌پذیری سیاسی کاخ سفید تبدیل شده است.

در این میان، نباید نقش مقاومت ایران در برابر این پروژه را نادیده گرفت. اگر رشادت نیروهای مسلح در برخورد با کشتی متخلف در تنگه هرمز پس از تفاهم اسلام‌آباد و مهم‌تر از آن، پاسخ‌های ویرانگر انصارالله یمن به سعودی و افزایش قیمت نفت نبود، چه‌بسا ترامپ می‌توانست از امتیاز سیاسی تفاهم اسلام‌آباد در انتخابات بهره‌برداری کند، هزینه‌های جنگ را کم‌اهمیت جلوه دهد و شکست راهبردی خود را به‌عنوان یک پیروزی تبلیغاتی به افکار عمومی آمریکا بفروشد. اکنون صدای اعتراض در واشنگتن بلندتر شده است.

شکست انتخاباتی که دست از سر ترامپ برنمی‌دارد

جنگ‌طلب‌ترین جریان سیاسی آمریکا حالا در برابر پیامدهای ماجراجویی نظامی ترامپ علیه ایران به موضع انتقادی رسیده است؛ از جی‌دی ونس که جنگ را عامل افزایش هزینه‌های سوخت و شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان می‌داند تا ایلان ماسک که هزینه‌کرد صدها میلیون دلار برای نامزدهای شکست‌خورده را اقدامی احمقانه توصیف می‌کند. این وضعیت می‌تواند مقدمه حذف سیاسی ترامپ و جریان او در انتخابات ۲۰۲۸ باشد.

گزارش نوبنیاد از طراحی جدید امریکا در قبال ایران

پخت و پز کودتاچیان برای تکرار ۱۸ دی

اظهارات دونالد ترامپ در حمایت از اغتشاشگران، سخنان ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا درباره مسلح‌کردن مردم ایران با کمک سیا و موساد و فشار اسرائیل برای ازسرگیری حملات نظامی، نشانه‌هایی از یک سناریوی خطرناک علیه جمهوری اسلامی است. سناریویی که در آن، آشوب داخلی، فشار اقتصادی، تخریب زیرساخت‌ها و حمله نظامی به‌عنوان حلقه‌های مکمل برای تحمیل بی‌ثباتی و تغییر سیاسی در ایران دنبال می‌شوند.



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

حجت‌الاسلام حاج علی اکبری، امام جمعه موقت تهران، چند روز قبل در خطبه‌های نماز جمعه به یکی از مهم‌ترین ابعاد طراحی دشمن علیه کشور اشاره کرد و نسبت به تلاش برای ایجاد آشوب داخلی و استفاده از آن به‌عنوان مقدمه حمله نظامی هشدار داد. وی با اشاره به احتمال طراحی سناریوهای جدید از سوی دشمن، از جمله حمله محدود، ایجاد آشوب مسلحانه داخلی و سپس اقدام گسترده نظامی، تصریح کرد که دشمن در محاسبات خود دچار اشتباه شده و فرزندان این ملت به توفیق الهی آمادگی لازم را دارند.

این هشدار در شرایطی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیوز، پس از مشاهده ویدئوهای اغتشاشات محدود در آبادانان که با حضور مردم ناکام ماند، مستقیماً خطاب به معترضان اظهار داشت: به اعتراض ادامه دهید «Keep protesting» ترامپ همچنین در پستی در تروث‌سوشال مدعی شد که ایران تاکنون ۸۱ هزار نفر را کشته است؛ ادعایی که پیش‌تر نیز با اعداد متفاوتی از سوی او مطرح شده بود و بدون ارائه مستندات معتبر و در حالی که ضدانقلاب حتی قادر به معرفی یک اسم بیشتر از لیست منتشرشده درباره دی ۱۴۰۴ نیست، به ابزاری برای تشدید فشار سیاسی و رسانه‌ای علیه ایران تبدیل شده است.

اما مسئله به مواضع ترامپ محدود نمی‌شود. ژنرال بازنشسته جک کین، از فرماندهان ارشد ارتش آمریکا در دوران ریاست جمهوری جورج بوش، در گفت‌وگو با فاکس نیوز صریح‌تر از همیشه از ماهیت راهبرد واشنگتن سخن گفته است. او با تأکید بر اینکه بهترین راه‌حل از نگاه آمریکا کنار رفتن جمهوری اسلامی است، در پاسخ به پرسش مجری درباره چگونگی تحقق این هدف بدون اعزام نیروی زمینی گفت: «ما قرار نیست نیروهای زمینی اعزام کنیم،» وی خواستار بازگشت به عملیات جنگی، تخریب هرچه بیشتر دارایی‌های ایران و تشدید فشار اقتصادی شد تا پس از آن، مردم برای تغییر سیاسی وارد میدان شوند. وقتی مجری از چگونگی تجهیز مردم پرسید، کین پاسخ داد که نمی‌تواند وارد جزئیات شود، اما موساد و سیا وجود دارند و به ادعای او، در حال مسلح کردن ده‌ها هزار نفر هستند. این اظهارات دیگر در چارچوب حمایت لفظی از اعتراضات قابل تفسیر نیست؛ بلکه تصویری روشن از پیوند میان جنگ خارجی، فشار اقتصادی و تلاش برای سازمان‌دهی خشونت داخلی ارائه می‌دهد.

آنچه امروز در کنار تهدیدهای نظامی و تحریک آشوب‌های داخلی علیه ایران دنبال می‌شود، در واقع ادامه محاصره و فشار حداکثری بر جامعه با هدف فرسایش تاب‌آوری عمومی است؛ راهبردی که می‌توان از آن به‌عنوان نوعی «دکترین ضاحیه اقتصادی» یاد کرد. در این الگو، برخلاف تقابل مستقیم نظامی، این بار معیشت مردم، صنایع حیاتی، زیرساخت‌های اقتصادی و تأمین نیازهای اولیه غیرنظامیان به ابزار فشار تبدیل می‌شود تا با تشدید مشکلات اقتصادی، افزایش نارضایتی و ایجاد احساس بن‌بست، زمینه آشوب داخلی فراهم شود. هدف نهایی نیز صرفاً ایجاد ناآرامی نیست؛ بلکه قرار است در میانه آشوب و بی‌ثباتی، با بهره‌گیری از شکاف‌های اجتماعی و اختلال در انسجام داخلی، حمله نظامی مجدد به کشور با هزینه کمتر و امکان اثرگذاری بیشتر دنبال شود؛ سناریویی که در آن فشار بر غیرنظامیان، جنگ اقتصادی و عملیات نظامی، اجزای یک پروژه واحد برای فرسایش و تضعیف ایران هستند.

تل‌آویو در انتظار فرصت حمله

در همین راستا، روزنامه «یدیعوت آحرونوت» دوشنبه دوم آذر گزارش داد اسرائیل همچنان دولت ترامپ را برای حمله به ایران تحت فشار قرار داده و پیشنهاد اجرای عملیاتی نظامی و گسترده طی چند روز را مطرح کرده است؛ عملیاتی که هدف آن تضعیف توانمندی‌های نظام ایران و نزدیک کردن کشور به مرحله فروپاشی عنوان شده، هرچند سقوط نظام تضمین شده نیست.

هم‌زمان، رسانه‌های اسرائیلی از جمله جروزالم‌پست، تایمز آو اسرائیل، اسرائیل هیوم و شبکه‌های ۱۲ و ۱۳، تمرکز ویژه‌ای بر پوشش هر اغتشاشی در ایران دارند. برخی تحلیل‌ها در رسانه‌هایی مانند پولیتیکو و گاردین نیز آشوب و درگیری داخلی در ایران را برای اسرائیل نتیجه‌ای قابل قبول توصیف کرده‌اند؛ چراکه یک ایران ضعیف یا گرفتار وضعیت دولت شکست‌خورده، توان کمتری برای تهدید اسرائیل خواهد داشت.

مدل ونزوئلا

در این میان، نباید از تجربه ونزوئلا و نگاه دولت ترامپ به این کشور غافل شد. پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، در ۱۸ نوامبر ۲۰۲۶ در کاراکاس ونزوئلا را از یکی از تهاجمی‌ترین تهدیدهای منطقه‌ای آمریکا به «شریک (برده) امنیتی مطیع» تبدیل شده توصیف کرد و این تحول را بخشی از دکترین مونرو دانست. ترامپ نیز در هفته‌های اخیر بارها از نفت ونزوئلا سخن گفته و آن را دستاورد یا تملک جدید آمریکا خوانده است. او حتی در مصاحبه‌ای با برنامه ۶۰ دقیقه مدعی شد آمریکا تاکنون ۵۰ برابر هزینه جنگ را از ونزوئلا به دست آورده و به تعبیر خود، «غنایم به فاتح می‌رسد»

در کنار این تحولات، نشانه‌های دیگری از تلاش اسرائیل برای ایجاد بهانه حمله و تخریب زیرساخت‌های حیاتی ایران دیده می‌شود. یک پژوهشگر مسائل غرب آسیا از تلاش تل‌آویو برای فراهم کردن مقدمات حمله هوایی به کارخانه‌های داروسازی ایران خبر داده است؛ اقدامی که در صورت تحقق، فراتر از هدف‌گیری تأسیسات نظامی و هسته‌ای خواهد بود و مستقیماً امنیت دارویی و سلامت مردم را تهدید می‌کند. به گفته این تحلیلگر، این رویکرد بخشی از پروژه بزرگ‌تر صنعتی‌زدایی، فقیرسازی جامعه و ایجاد فلاکت عمومی با هدف فرسایش اجتماعی و فروپاشی سیاسی است.

هم‌زمان یسرائیل کاتس، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی، با طرح ادعاهایی درباره تلاش ایران برای تولید تسلیحات شیمیایی، از احتمال اقدام پیش‌دستانه سخن گفته است. شبکه سی‌ان‌ان نیز به نقل از هفت مقام آمریکایی ادعا کرد ایران در حال تدوین طرح‌هایی برای هدف‌گیری مقام‌های ارشد دولت ترامپ از طریق بمب کثیف یا سلاح شیمیایی در واشنگتن است.

خطای محاسباتی کودتاچیان

مجموع این نشانه‌ها حکایت از آن دارد که آمریکا و اسرائیل به دنبال پیوند زدن نارضایتی‌های داخلی با فشار خارجی هستند. در این میان، سوءمدیریت دولت مسعود پزشکیان و عملکرد جریان غربگرای مسلط بر بخش‌هایی از دولت، خواه عامدانه و خواه سهوی، می‌تواند زمینه اجتماعی لازم برای پیشبرد این پروژه را فراهم کند. پزشکیان در این میان چنین هدفی ندارد ولی هدف مسلطین بروی آن است که نارضایتی اقتصادی به بحران سیاسی تبدیل شود، سپس با تشدید فشار خیابانی و تهدید نظامی، رهبر و تصمیم‌گیران کشور به عقب‌نشینی و تسلیم در برابر غرب وادار شوند؛ همان چیزی که دشمن پس از ۴۰ روز جنگ نیز نتوانست به دست آورد. تجربه سال‌های نخست انقلاب و برخورد قاطع امام خمینی (ره)، به‌ویژه در ماجرای عزل ابوالحسن بنی‌صدر، نشان داد که عبور از بحران‌های ناشی از پیوند جریان‌های داخلی با دشمن خارجی، بدون قاطعیت در صیانت از نظام و منافع ملی ممکن نیست. دشمن روی فرسایش درونی ایران حساب باز کرده است؛ نباید اجازه داد ناکارآمدی، مماشات و غفلت داخلی به مکمل جنگ خارجی تبدیل شود.

کودتا با رمز آشوب و فشار اقتصادی

از تشویق ترامپ به ادامه اعتراضات و اعتراف ژنرال آمریکایی به نقش سیا و موساد در مسلح‌کردن عناصر داخلی تا فشار نتانیاهو برای حمله نظامی و طرح ادعاهای امنیتی علیه ایران، همگی از سناریویی چندلایه برای بی‌ثبات‌سازی کشور حکایت دارد؛ پروژه‌ای که می‌خواهد ناکامی جنگ خارجی را با سوءمدیریت داخلی، تشدید نارضایتی، تخریب صنایع حیاتی و تحمیل تسلیم سیاسی جبران کند.

یادداشت

از پرچم دروغین شیمیایی تا پروژه نسل‌کشی صنعتی

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

گزارش یک پژوهشگر مسائل غرب آسیا درباره تلاش اسرائیل برای فراهم کردن مقدمات حمله هوایی به کارخانه‌های داروسازی ایران، پرده از ابعاد خطرناک‌تری از راهبرد تل‌آویو علیه کشورمان برمی‌دارد؛ راهبردی که دیگر صرفاً به ترور دانشمندان، تخریب تأسیسات نظامی یا بمباران مراکز هسته‌ای محدود نیست و ظاهراً صنایع حیاتی و زیرساخت‌های تأمین نیازهای اولیه مردم را نیز هدف گرفته است. به گفته این تحلیلگر، اسرائیل در حال آماده‌سازی مقدمات چنین حملاتی است؛ همان‌گونه که طی ماه‌های فوریه تا آوریل آزمایشگاه‌ها و دانشگاه‌های ایران را بمباران کرد. این تحولات از یک پروژه بزرگ‌تر حکایت دارد: صنعتی‌زدایی از ایران، فقیرسازی جامعه و ایجاد فلاکت عمومی با هدف فرسایش اجتماعی و در نهایت فروپاشی سیاسی. این تصویر زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که در کنار آن، فضاسازی‌های اخیر مقامات اسرائیلی درباره برنامه ادعایی تسلیحات شیمیایی ایران قرار گیرد. یسرائیل کاتس، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، مدعی شده است تهران پس از آخرین دور درگیری‌ها برای توسعه و تولید سلاح شیمیایی تلاش کرده و اسرائیل نیز اطلاعات خود را در اختیار آمریکا قرار داده است. او حتی از احتمال اقدام پیش‌دستانه سخن گفته و مدعی شده چنین تسلیحاتی می‌تواند موازنه منطقه‌ای را تغییر دهد. هم‌زمان، شبکه سی‌ان‌ان هفته گذشته، یک روز پس از بازگشت رومن گوفمن، رئیس موساد، از واشنگتن، به نقل از هفت مقام آمریکایی ادعا کرد ایران در حال تدوین طرح‌هایی برای هدف قراردادن مقامات ارشد دولت ترامپ از طریق انفجار بمب کثیف یا استفاده از سلاح شیمیایی در واشنگتن است.

واقعیت این است که کنار هم قرار دادن این ادعاها با تهدید حمله به صنایع دارویی و زیرساخت‌های علمی ایران، احتمال شکل‌گیری یک پرچم دروغین تازه را تقویت می‌کند؛ سناریویی نخ‌نما که پیش‌تر در پرونده عراق صدام نیز اجرا شد. آن روزها ادعای سلاح‌های کشتار جمعی به مجوز سیاسی و تبلیغاتی حمله آمریکا تبدیل شد؛ حمله‌ای که صدها هزار غیرنظامی عراقی را به کام مرگ کشاند. بعدها حتی نیویورک تایمز نیز به نادرستی روایت‌های خود درباره این پرونده اعتراف کرد. اکنون نیز خطر آن وجود دارد که اتهام‌زنی‌های اثبات‌نشده، مقدمه مشروعیت‌بخشی به جنایت‌های تازه علیه ایران شود.

اما مسئله فقط عملیات روانی و تبلیغاتی تل‌آویو نیست. دشمن همچنان از دو جنگ اخیر، به‌ویژه جنگ ۳۹ روزه، درس نگرفته است؛ یا دست‌کم تصور می‌کند می‌تواند با تداوم فشار نظامی، اقتصادی و روانی، ایران را به عقب‌نشینی وادار کند. بخشی از این محاسبه نیز از مخابره انگاره ضعف در عرصه سیاست خارجی و سیگنال‌های فریبنده مذاکره و امتیازدهی ناشی می‌شود. وقتی طرف مقابل تصور کند هزینه تجاوز کاهش یافته، طبیعی است که دامنه تهدیدهای خود را از مراکز نظامی به دانشگاه، آزمایشگاه، کارخانه داروسازی و حتی زیرساخت‌های تأمین سلامت مردم گسترش دهد. اسرائیل سناریوهای خطرناکی را دنبال می‌کند که پیامدهای آن می‌تواند متوجه موجودیت و امنیت جمعی جامعه ایران باشد. تجربه حمله به مدرسه میناب و جنایت لامرد نیز نشان داد که دشمن برای کشتار غیرنظامیان و هدف قراردادن کودکان هیچ خط قرمزی قائل نیست.

امروز مسئله بازدارندگی مطمئن و نهایی، بیش از هر زمان دیگری در مرکز بحث امنیت ملی قرار دارد. کشور به سازوکاری نیاز دارد که محاسبه هزینه تجاوز را برای دشمن به‌طور بنیادین تغییر دهد و امکان حملات گاه‌به‌گاه، نقض حاکمیت و تهدید زیرساخت‌های حیاتی را از میان ببرد. در این چارچوب، بحث بازدارندگی با ساخت بمب اتمی و ضرورت بررسی جدی گزینه‌های راهبردی آن، دیگر موضوعی حاشیه‌ای نیست؛ بلکه به مسئله‌ای حیاتی در معادلات امنیت ملی تبدیل شده است. تعلل در بازنگری بازدارندگی، آن هم در برابر دشمنی که از ارتکاب جنایت‌هایی چون حمله به مدرسه میناب ابایی ندارد، می‌تواند خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر به همراه داشته باشد.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

یادداشت

ضدحمله به هوش مصنوعی

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

پلتفرم موسیقی تیدال اعلام کرده است که از نهم دسامبر(۱۸آذر)، تمام قطعاتی را که به‌طور کامل با هوش مصنوعی تولید شده‌اند، از آرشیو خود حذف خواهد کرد. تصمیمی که حاکی از آغاز مقاومت در برابر پدیده‌ای است که می‌تواند بنیان‌های هنر و نسبت آن با خلاقیت انسانی را متزلزل کند. روزنامه گاردین در گزارشی به این تصمیم پرداخته و از حذف احتمالی ۲۷ میلیون قطعه موسیقی خبر داده است. آثاری که بنا بر اعلام تیدال، حدود ۶.۳ درصد کل قطعات موجود در این پلتفرم را تشکیل می‌دهند.

ابعاد ماجرا از آنچه تصور می‌شود گسترده‌تر است. تیدال اعلام کرده که ۴۳ درصد قطعات بارگذاری‌شده در این پلتفرم طی ۹۰ روز گذشته، به‌طور کامل با هوش مصنوعی تولید شده‌اند. رقمی که در ششم نوامبر به ۶۰ درصد بارگذاری‌های همان روز رسیده است. نکته تأمل‌برانگیزتر آنکه به گفته این شرکت، ۹۶ درصد قطعات شناسایی‌شده به‌عنوان آثار کاملاً تولیدشده با هوش مصنوعی، طی سه ماه گذشته حتی یک بار هم شنیده نشده‌اند. به بیان دیگر، با انبوهی از محصولاتی مواجهیم که نه از دل تجربه انسانی بیرون آمده‌اند و نه حتی مخاطبی برای خود پیدا کرده‌اند. تولیداتی که صرفاً فضای انتشار را اشغال می‌کنند و می‌توانند سهم هنرمندان واقعی از درآمد و امکان دیده‌شدن را کاهش دهند.

اما مسائل اقتصادی و رقابت، چالش اصلی این حوزه نیست. نگرانی واقعی در این است که تغییر تعریف هنر و جایگزین کردن مفهوم آفرینش با تولید چه خطراتی را متوجه هنر در آینده میان‌مدت و بلندمدت خواهد کرد. وضعیت به سمتی حرکت می‌کند که انگار هر محصولی که از نظر فنی قابل‌قبول باشد، الزاماً یک اثر هنری است و دیگر تفاوتی میان هنرمندی که حاصل سال‌های زیادی از عمر خود را وقف خلق یک اثر می‌کند و ماشینی که با پردازش داده‌ها قطعه‌ای موسیقی می‌سازد، وجود ندارد. این همان مغالطه‌ای است که امروز به نام پیشرفت فناوری تبلیغ می‌شود.

البته استفاده از ابزارهای جدید در هنر اتفاق تازه‌ای نیست. اما باید میان کمک گرفتن از فناوری و نگاه ابزاری به آن و جایگزین کردن هنرمند با ماشین تفاوت قائل شد. ابزار می‌تواند توانایی خالق را گسترش دهد، اما وقتی خود به تولیدکننده مستقل اثر تبدیل می‌شود، دیگر با توسعه ابزارهای هنری مواجه نیستیم.

چرا با رکج «سریتو» به مقصد نمی‌رسد؟

میکرودرام، اسم رمز جدید ابتذال

پلتفرم سریتو که متعلق به مجموعه عامریان فیلم است، پس از اخذ مجوز فعالیت از ساترا، قصد دارد فعالیت رسمی خود را به عنوان نخستین سامانه تخصصی سریال‌های میکرودرام در ایران آغاز کند. این اقدام گامی تازه در صنعت سرگرمی داخلی محسوب می‌شود اما با انتقادات جدی همراه است. تمرکز اصلی این پلتفرم بر تولید و عرضه آثار کوتاه است که هم‌اکنون در شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، یوتیوب و آپارات به وفور یافت می‌شوند.

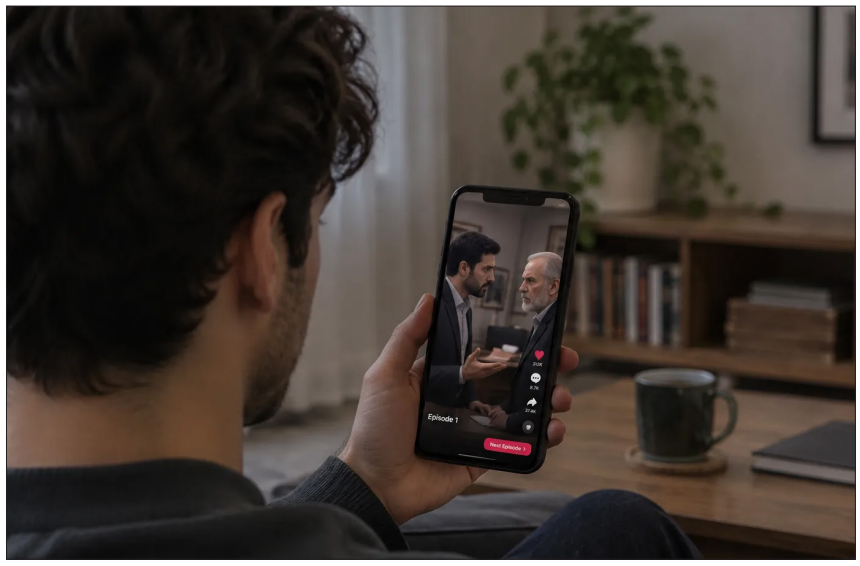

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

ایجاد یک پلتفرم مستقل برای محتوایی که دسترسی به آن بسیار آسان و رایگان است، از منطقی اقتصادی و فرهنگی برخوردار نیست مگر اینکه هدف نهایی حذف رقبای سنتی باشد. کیفیت فنی و هنری میکرودرام‌ها ذاتاً پایین‌تر از سریال‌های بلند و فیلم‌های سینمایی است و نگاه سرمایه‌گذاران این حوزه فاقد عمق فرهنگی لازم است. برخی کارشناسان معتقدند این حرکت بخشی از یک تغییرات بنیادین در الگوهای مصرف فرهنگی جامعه است که می‌تواند تأثیرات منفی بر هویت دینی و ملی داشته باشد. از سوی دیگر، اقتصاد سیاسی سرگرمی در تلاش است تا با ترویج محتوای سطحی، جایگزینی برای فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی دست‌وپا کند. بر این اساس، جزئیات زمان دقیق شروع به کار و فهرست آثار منتشرشده هنوز اعلام نشده اما نگرانی‌ها درباره ماهیت این محتوا همچنان باقی است. آیا این پلتفرم می‌تواند ارزش افزوده‌ای ایجاد کند یا صرفاً ابزاری برای تجاری‌سازی بیشتر محتوای موجود است؟ سؤالات بی‌پاسخ زیادی وجود دارد که نیازمند شفاف‌سازی بیشتر است. تحلیلگران رسانه‌ای بر این باورند که بدون استراتژی فرهنگی قوی، این پلتفرم ممکن است به شکلی از انحراف فرهنگی تبدیل شود که با ارزش‌های جامعه در تضاد است. بنابراین، نظارت دقیق بر محتوای تولید شده ضروری به نظر می‌رسد.

ورود پلتفرم سریتو به بازار رسانه‌ای ایران با شعار ارائه نخستین سرویس تخصصی میکرودرام، پرسش‌های بنیادینی را در ذهن فعالان فرهنگی و مخاطبان آگاه ایجاد کرده است. بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که ایده راه‌اندازی یک اپلیکیشن یا وب‌سایت اختصاصی برای این نوع محتوا، فاقد پشتوانه منطقی و اقتصادی است. دلیل اصلی این ادعا، دسترسی گسترده و تقریباً نامحدود کاربران به محتوای مشابه در پلتفرم‌های جهانی و بومی است. اینستاگرام، یوتیوب، تلگرام و آپارات هزاران کانال و صفحه دارند که به‌صورت روزانه و ساعتی، قطعات کوتاه دراماتیک با موضوعات مختلف را منتشر می‌کنند. این محتواها اغلب رایگان هستند و الگوریتم‌های قدرتمندی برای معرفی به مخاطب هدف دارند. در چنین فضایی، درخواست از کاربر برای نصب یک اپلیکیشن جدید و احتمالاً پرداخت هزینه اشتراک برای دیدن محتوایی که قبلاً به راحتی در دسترس بوده، توجیه‌پذیر نیست. تنها سناریویی که می‌تواند برای این حرکت معنا پیدا کند، حذف رقبا و انحصارطلبی است که بعید به نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت اتفاق بیفتد. از سوی دیگر، مسئله کیفیت فنی و هنری میکرودرام‌ها نقطه ضعف دیگری‌ست که باید به آن اشاره کرد. این ساختار به دلیل محدودیت زمانی شدید، معمولاً فاقد عمق شخصیت‌پردازی، دیالوگ‌های غنی و داستان‌سرایی پیچیده است. مقایسه این آثار با سریال‌ها یا فیلم‌های سینمایی، تفاوت آشکاری در میزان خلاقیت و حرفه‌ای بودن را نمایان می‌سازد. مجموعه عامریان فیلم با سابقه‌ای در تولید محتوای عمومی، تجربه قابل توجهی در مدیریت فرهنگی ندارد، بنابراین، رویکرد تجاری خالص در تولید محتوا، اغلب منجر به نادیده گرفتن مسئولیت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌شود. در واقع، ترویج گسترده این نوع سرگرمی سطحی، می‌تواند بخشی از فرآیندی باشد که تحت عنوان کودتای خزنده علیه سبک زندگی دینی و فرهنگی شناخته می‌شود. در این دیدگاه، اقتصاد سیاسی سرگرمی ابزارهایی را به کار می‌گیرد تا ذهن مخاطب را مشغول مسائل کم‌اهمیت کند و از تفکر انتقادی دور سازد. هدف پنهان، تضعیف هویت ایرانی اسلامی و جایگزینی آن با الگوهای مصرف‌گرایانه غربی است. نگاه به تاریخچه رسانه‌های جمعی نشان می‌دهد که هرگونه تغییر ناگهانی در الگوی مصرف محتوا، باید با احتیاط بررسی شود. پلتفرم سریتو باید اثبات کند که علاوه بر جنبه تجاری، نسبت به حفظ و تقویت ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه حساس است. در غیر این صورت، این اقدام صرفاً تلاشی برای جذب سرمایه در بازاری اشباع شده خواهد بود. شفافیت در مورد سیاست‌های نظارتی محتوا و تعهدات فرهنگی تیم مدیریتی، می‌تواند اعتماد مخاطبان را جلب کند. اما فعلاً، تردیدها بر این اصل استوار است که اولویت اصلی، سود اقتصادی است نه ارتقای سطح فرهنگی جامعه. انتظار می‌رود نهادهای نظارتی مانند ساترا، فراتر از صدور مجوز فنی، بر محتوای فرهنگی نیز نظارت دقیق داشته باشند تا از آسیب‌ها جلوگیری شود.

یادداشت

فیلم‌نت اشتباهش را پذیرفت؛ ساترا سربلند شد

مسعود صفری
روزنامه‌نگار

توقف پخش قسمت هفتم سریال «یل» و حواشی پس از آن، بار دیگر بحث نظارت بر محتوای شبکه نمایش خانگی را به مرکز توجه رسانه‌ها آورد.

در روزهایی که ساترا به دلیل ورود به این ماجرا با انتقادها و اتهام‌های مختلفی روبه‌رو شد، اطلاعیه تازه فیلم‌نت ابعاد دیگری از ماجرا را روشن کرد. این سکوی نمایش خانگی رسماً پذیرفت که نمایش صحنه نامتعارف در سریال، حاصل اشتباه و کوتاهی عوامل تولید در آماده‌سازی نسخه نهایی و غفلت در فرآیند بررسی توسط خود سکو بوده است.

فیلم‌نت همچنین اعلام کرده است که مسئولیت این اتفاق را می‌پذیرد، قصد عبور از مرزبندی‌های قانونی را نداشته و به مقررات کشور پایبند است. بر اساس همین اطلاعیه، پخش سریال «یل» از روز جمعه از سرگرفته خواهد شد.

این اعتراف را نمی‌توان در ارزیابی عملکرد نهاد ناظر نادیده گرفت. در جریان حواشی اخیر، بخشی از واکنش‌ها به جای بررسی اصل اتفاق و مسئولیت سکوی منتشرکننده، متوجه ساترا شد. گویی هرگونه ورود نهاد تنظیم‌گر به موضوع محتوای نمایش خانگی، اقدامی سلیقه‌ای و محدودکننده تلقی می‌شد.

اکنون با پذیرش رسمی قصور از سوی فیلم‌نت، دست‌کم روشن شده است که موضوع نظارت بر نسخه نهایی اثر، مسئله‌ای واقعی بوده و نمی‌توان تمام اعتراض‌ها را صرفاً به مخالفت با محدودیت‌های فرهنگی تقلیل داد.

سکویی که از امتیاز انتشار گسترده آثار نمایشی برخوردار است، نمی‌تواند مسئولیت نظارت بر محتوای خروجی خود را به عوامل تولید واگذار کند. خطای عوامل تولید، مسئولیت حرفه‌ای پلتفرم را از میان نمی‌برد. مخاطب نیز محصول نهایی را از فیلم‌نت دریافت می‌کند و انتظار دارد نسخه منتشرشده با ضوابط اعلام‌شده مطابقت داشته باشد.

ماجرای «یل» بار دیگر ضرورت وجود یک نظام نظارتی پاسخگو و ضابطه‌مند را یادآوری کرد. دفاع از حقوق مخاطب و صیانت از چارچوب‌های فرهنگی جامعه، مطالبه‌ای قابل چشم‌پوشی نیست. البته نظارت مؤثر باید با شفافیت، تناسب و امکان پاسخگویی همراه باشد. با این حال، اتفاق اخیر نشان داد که اصل مطالبه نظارت بر محتوای شبکه نمایش خانگی را نمی‌توان با هجمه رسانه‌ای به نهاد ناظر از دستور کار خارج کرد.

«غذای نیمروز» مجید مجیدی در مسیر گلدن گلوب ۲۰۲۷



فیلم سینمایی «غذای نیمروز» ساخته مجید مجیدی، پس از موفقیت در جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان، به فهرست ۴۲ اثر واجد شرایط رقابت در شاخه بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان جوایز گلدن گلوب ۲۰۲۷ راه یافت. این اتفاق، حضور بین‌المللی جدیدی برای فیلم مجیدی رقم زده و نام سینمای ایران را در میان آثار متقاضی یکی از جوایز مهم سینمایی جهان قرار داده است.

«غذای نیمروز» پیش‌تر جایزه بهترین فیلم جشنواره بوسان را کسب کرده بود. موفقیتی که طبق قوانین جدید آکادمی اسکار زمینه ورود این اثر به مسیر رقابت اسکار ۲۰۲۷ در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی را نیز فراهم کرد.

داستان فیلم درباره معلمی در روستایی محروم است که برای تأمین غذای رایگان دانش‌آموزان و حفظ مدرسه، به قاچاق نفت روی می‌آورد. حضور هم‌زمان فیلم در مسیر دو جایزه معتبر سینمایی، فرصتی تازه برای دیده‌شدن این اثر و بازتاب جهانی روایت اجتماعی آن فراهم کرده است.